# اسناد
# کنفرانس جهانی
# احزاب کمونیستی و کارگری

(مسکو ــ ژوئن ۱۹۶۹)

۲۰ ریال

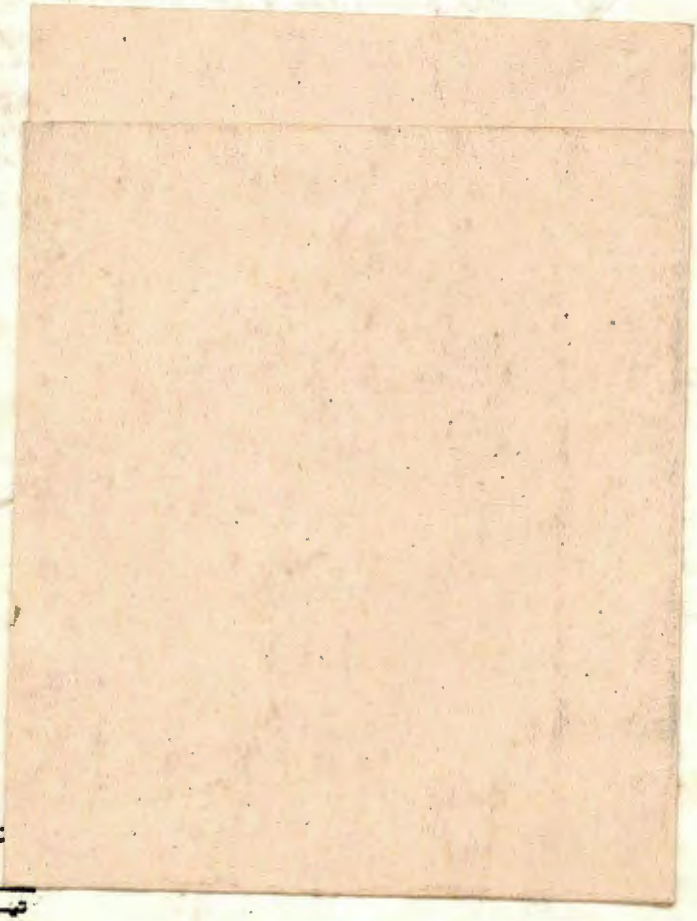

ت حزب توده ایران

تیرماه ۱۳۴۸

۹۳۹۷

## فهرست


اعلامیه درباره ی کنفرانس بجهانی احزاب کمونیستی وکارگری ۳
وظایف مبارزه علیه امپریالیسم درمرحله ی کنونی و وحدت عمل احزاب کمونیستی ۶
درباره ی صد مین سالروز تولد ولادیمیرایلیچ لنین ۳۶
استقلال، آزادی و صلح به ویتنام ! ۳۱
پیام صلح ۴۰

مرکز اسناد انقلاب اسلامی
کتابخانه امام مهدی (عج)
شماره ثبت ۹۴۹۷
تاریخ ۷۹/۴/۲۶

# اعلامیه

# در باره کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری

ازپنجم تا هفدهم ژوئن ۱۹۶۹ کنفرانس ۷۵ حزب کمونیست وکارگری در مسکوتشکیل گردید. شرکتکنندگان این جلسه آنرا بعنوان حادثه ای بزرگ در راه بسط پیکارعلیه امپریالیسم ونیل بوحدت عمل ضد امپریالیستی وسیعترین قشرهای مردم جهان ومرحله ای مهم در راه متحکم همپیوستگی جنبش کمونیستی برپنیاد مارکسیسم ــ لنینیسم وانترناسیونالیسم پرولتری ارزیابی کردند.

نمایندگان احزاب کمونیست وکارگری شرکتکننده در کنفرانس بقرارزیراست:

حزب کمونیست استرالیا ، حزب کمونیست اتریش ، حزب پیشاهنگ وسوسیالیست الجزیره ، حزب کمونیست آرژانتین ، حزب کمونیست بلژیك ، حزب سرسیالیست متحده برلن غربی ، حزب کمونیست بلغارستان ، حزب کمونیست بولیو ، حزب کمونیست برزیل ، حزب کمونیست انگلستان ، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان ، حزب کمونیست ونزوئلا ، حزب کمونیست متحده هائیتی ، حزب مترقی توده گینه ، حزب کمونیست گواد ولوپ ، حزب کارگری گواتمالا ، حزب کمونیست آلمان ، حزب سوسیالیست متحده آلمان ، حزب کمونیست هند وراس ، حزب کمونیست یونان ، حزب کمونیست دانمارك ، حزب کمونیست دومینیك ، حزب کمونیست اسرائیل ، حزب کمونیست هندوستان ، حزب کمونیست اردن ، حزب کمونیست عراق ، حزب توده ایران ، حزب کمونیست ایرلند شمالی ، حزب کارگری ایرلند ، حزب کمونیست اسپانیا ، حزب کمونیست ایتالیا ، حزب کمونیست کانادا ، حزب مترقی خلق زحمتکش قبرس ، حزب کمونیست کلمبیا ، حزب پیشاهنگ خلق کستاریکا ، حزب کمونیست له توسو ، حزب کمونیست لبنان ، حزب کمونیست لوکزامبورك ، حزب رهائی وسوسیالیسم مراکش ، حزب کمونیست مارتینیك ، حزب کمونیست مکزیك ، حزب توده انقلابی مغولستان ، حزب مارکسیست ــ لنینیستی نیجریه ، حزب سوسیالیست نیکاراگا ، حزب کمونیست نروژ ، حزب کمونیست پاکستان شرقی ، حزب خلق پاناما ، حزب کمونیست پاراگوئه ، حزب کمونیست پرو ، حزب متحده کارگری لهستان ، حزب کمونیست پرتقال ، حزب کمونیست پورتوریکو ، حزب کمونیست رئونیون ، حزب کمونیست رومانی ، حزب کمونیست سالوادور ، حزب کمونیست سان مارینو ، حزب کمونیست سوریه ، حزب کمونیست اتحاد سوروی ، حزب کمونیست امریکا ، حزب کمونیست سودان ، حزب کمونیست تونس ، حزب کمونیست

ترکیه ، حزب کمونیست اوروگوئه ، حزب کمونیست فنلاند ، حزب کمونیست فرانسه ، حزب کمونیست سیلان ، حزب کمونیست چکوسلواکی ، حزب کمونیست شیلی ، حزب کارگرسویس حزب کمونیست اکوادور ، حزب کمونیست افریقای جنوبی وهمچنین نمایندگان دو حزب کارگری غیرعلنی که بعلت رعایت امنیت ، نامبرده نشده است.

نمایندگان حزب کمونیستکوبا وحزب کمونیست چپ سوئد که بعنوان ناظر درجلسه شرکتکرده بودند ، نظریاتخود را ابرازداشتند .

کنفرانس سند اساسی تحتعنوان " وظائف نبرد علیه امپریالیسم درمرحله کنونی ووحدت عمل احزاب کارگری وکمونیستی وهمه‌نیروهای ضد امپریالیستی " راتصویبکرد .

هیئت های نمایندگی احزابکمونیست استرالیا ، ایتالیا ، سان‌مارینو ورئونیون که در بارههمبستگی واتحاد احزابکمونیستی وکارگری‌وهمه‌نیروهای ضد امپریالیستی نیز اظهارنظر کرده اند موافقتکامل خود را فقط باآن بخش سند که درآن‌برنامهمبارزه علیه امپریالیسم بیان‌میشود ابرازداشتند ونماینده حزب کمونیست دومینیك سند اساسی را مورد پشتیبانی قرارنداد .

شرکت کنندگان کنفرانس مسئله برگزاری‌جشن صد مین سالگرد میلاد لنین رامورد بررسی قراردادند وباشور وهیجان تمام پیام مربوط به " صد مین سالگرمیلاد ولادیمیرایلیچ لنین" راتصویب کردند .

کنفرانس سند " استقلال ، آزادی وصلح برای ویتنام " را درخطاب بهکلیه خلقهای جهان صادرکرد .

کنفرانس تشکیل حکومت انقلابی موقتجمهوری‌ویتنام جنوبی را صمیمانه شادباش گفت.

کنفرانس " پیام دردفاع ازصلح " را تصویب کرد .

کنفرانس اظهاریه ای درپشتیبانی ازمبارزه عادلانه خلقهای عرب علیه تجاوزاسرائیل صادرنمود وهمچنین دردفاع ازافرادکمونیست وآزادیخواهانی که علیرغم فشارهای شدید همچنان‌علیه رژیمهای‌مرتجع ودیکتاتوری مورد حمایت امپریالیسم جهانی دلیرانه می رزمند اظهاریههائی صادرکرد .

کنفرانس درفضای صراحت وهمبستگی برادرانه جریان داشتواسناد مربوط بآن‌بطور وسیعی انتشار یافت .

اصل تساوی حقوق همه احزاب واسلوب کارجمعی چه درهنگام تدارك کنفرانسوچه درخود کنفرانس اکیدا مراعاتگردیده است.

شرکت کنندگان‌کنفرانس تمایل‌خود را درمورد توسعه بیشتر روابط بین‌احزاب کمونیست وکارگری اظهارداشتند .

شرکتکنندگان درکنفرانس تماسهای دوجانبه ومنطقه ای راتایید نمودند ونیزتایید کردند که برحسب لزوم کنفرانسهای‌جهانی احزاب کمونیستی وکارگری‌بمنظورتبادل نظریات وتجارب وبرای بررسی وتنظیم جمعی مسائل حادسیاسی‌وتئوریك ازجمله مسائل مربوط به مبارزه علیه امپریالیسم وبخاطر پیروزی امرصلح واستقلال ملی ودموکراسی وسوسیالیسم دعوتشود .

جلسه‌تصمیم گرفت اسناد ومدارك کنفرانس را برای‌احزاب کمونیستوکارگری که درکنفرانس شرکتنکرده اند ارسال دارد .

شرکتکنندگان در کنفرانس اطمینان کامل دارند که نتایج این کنفرانس موافق مصالح هر حزب کمونیستی ومجموعه جنبش کمونیستی جهانی می باشد .

# وظائف مبارزه علیه امپریالیسم در مرحله کنونی و وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و کلیه نیروهای ضد امپریالیستی

( سند اصلی مصوب کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی وکارگری در مسکو-۱۷ ژوئن ۱۹۶۹ )

کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری، مجتمع در شهر مسکو، در یک لحظه ی حساس تکامل جهانی تشکیل شده است. پروسه های پرتوان انقلابی در جهان گسترش می یابد، سه نیروی کبیر عصر ما در نبرد علیه امپریالیسم متحد میشوند. این سه نیرو عبارتند از سیستم جهانی سوسیالیسم، طبقه ی کارگر بین المللی و جنبش رهائی بخش ملی. شاخص مرحله ی کنونی عبارتست از افزایش امکانات برای پیشرفت نیروهای انقلابی و مترقی. در عین حال خطری که امپریالیسم موجد آنست و جنبه ی تجاوزکارانه ی سیاست وی تشدید می یابد. امپریالیسم نه بحران عمومیش تعمیق میشود، به ستمگری بر بسیاری خلقها ادامه میدهد و کماکان منبع تهدید دائمی امر صلح و ترقی اجتماعی است.

وضع کنونی وحدت عمل کمونیست ها و کلیه ی نیروهای ضد امپریالیستی را می طلبد تا با استفاده ی حد اکثر از همه ی امکانات نوین، تعرضی وسیعتر علیه امپریالیسم و قوای ارتجاعی و جنگ طلب بسط یابد.

کنفرانس وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم و مسائل وحدت عمل کمونیستها و کلیه ی نیروهای ضد امپریالیستی را مورد مذاکره قرار داد. در نتیجه ی بحثی که با روح دمکراسی و برابری حقوق و انترناسیونالیسم جریان یافت، شرکت کنندگان کنفرانس به نتائج مشترکی درباره ی وضع جهان و وظایف ناشی از آن رسیدند.

## سمت عمومی و تکامل بشریت را سیستم سوسیالیستی و طبقه ی کارگر و کلیه ی نیروهای انقلابی جهانی معین میکنند

بشریت به ثلث آخر سده ی ما در شرایط تشدید نبرد تاریخی بین نیروهای ترقی و ارتجاع، سوسیالیسم و امپریالیسم، پای گذاشته است. صحنه ی این نبرد سراسر جهان، همه ی عرصه های

اساسی زندگی اجتماعی اعم از اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی است.

جنبش انقلابی جهانی، علیرغم دشواریها و ناکامیهای برخی از گردانهای آن به تعرض ادامه میدهد و امپریالیسم نتوانسته است بکمک تعرض متقابل تناسب عمومی نیروها را بسود خویش دگرگون سازد. ببرکت قدرت روزافزون اقتصادی، سیاسی و نظامی و نیز سیاست خارجی صلحدوستانه ی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و اقدامات پرولتاریای جهانی و همه ی مبارزان ضد امپریالیستی و خواستار رهائی ملی و دامنه ی وسیع جنبش دفاع از صلح، این توفیق حاصل شده است که از افروخته شدن شعله جنگ نوین جهانی جلوگیری شود. سوسیالیسم که در یک سوم جهان پیروز گردیده در پیکار جهانی برای تصرف قلوب و عقول مردم کامیابیهای نوینی بدست آورده است. حوادث دهه ی اخیر صحت ارزیابی مارکسیستی ـ لنینیستی خصلت دوران کنونی و مضمون و گرایشهای اساسی آنرا تائید کرده است. دوران ما دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است.

در حال حاضر شرایط واقعی برای حل مهمترین مسائل عصر ما بسود صلح، دمکراسی و سوسیالیسم، برای ایراد ضربات تازه بر امپریالیسم وجود دارد. درعین حال با آنکه امپریالیسم بعنوان سیستم جهانی نیرومند تر نشده است، کماکان دشمن جدی و خطرناکی است. جنبه ی تجاوزکاری قدرت عمده ی امپریالیستی یعنی ایالات متحده ی امریکا تقویت یافته است.

پایه ی سیاست تجاوزکارانه ی امپریالیستی عبارت از آنست که باکلیه ی وسائل در تضعیف مواضع سوسیالیسم و سرکوب جنبش رهائی بخش خلقها بکوشد و مبارزه ی زحمتکشان را در کشورهای سرمایه داری مانع گردد و پروسه ی بازگشت ناپذیر زوال سرمایه داری را متوقف سازد.

تضاد اصلی بین سوسیالیسم و امپریالیسم که در رقابتهای جهانی پدید شده است عمیقتر میشود. کشورهای سرمایه داری در شرایط تشدید مبارزه ی دو سیستم جهانی و علیرغم تضاد های روز افزونی که آنها را از هم جدا میکند، میکوشند مساعی خویش را برای حفظ و تحکیم نظام بهره کشی و ستم متحد سازند و مواضع از دست رفته را بازگردانند. امپریالیسم امریکا میکوشد کشورهای دیگر سرمایه داری را تحت نفوذ خویش نگاه دارد و همراه آنان سیاست مشترکی را در عرصه های عمده ی مبارزه ی طبقاتی عملی کند.

لبه ی تیز استراتژی تجاوزکارانه ی امپریالیسم مانند گذشته پیش از همه علیه کشورهای سوسیالیستی متوجه است. امپریالیسم از مبارزه ی مستقیم علیه سوسیالیسم خود داری نمیورزد. امپریالیسم بلا انقطاع مسابقه ی تسلیحاتی را تشدید میکند و میکوشد پیمانهای نظامی را که بقصد تجاوز علیه شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ایجاد شده است، فعالتر گردانند و مبارزه ی ایدئولوژیک را علیه این کشورها حاد تر کند و سعی دارد پیشرفت اقتصادی این کشورها را ترمز کند.

امپریالیسم در مبارزه علیه جنبش کارگری حقوق و آزادیهای دمکراتیک را لگدکوب میکند و ستم آشکار و شیوه های قساوتکارانه ی پیگرد پلیسی و قانونگزاری ضد کارگری را بکار میبندد. درعین حال از عوامفریبی، رفورمیسم بورژوائی، ایدئولوژی و سیاست اپورتونیستی استفاده میکند و بهوسته در جستجوی شیوه های نوین است تا بجنبش کارگری از درون زیان رساند و آنرا در سیستم سرمایه داری مستحیل نماید.

امپریالیسم در مبارزه علیه جنبش رهائی بخش ملی از سوئی سرسختانه از بقایای استعمار دفاع میکند و از سوی دیگر میکوشد تا با اسالیب نو استعماری ترقی اقتصادی و اجتماعی کشورهای رشد یابنده را که حاکمیت ملی را بدست آورده اند مانع گردد. برای این منظور به محافل ارتجاعی کمک میرساند، جریان از میان بردن نظامات عقب مانده ی اجتماعی را ترمز میکند و میکوشد تا سیر تکامل این کشورها را در جاده ی سوسیالیسم یا راه مترقی غیر سرمایه داری که دورنمای سوسیالیستی را میگشاید، در چار مشکلات سازد. امپریالیستها با این کشورها قراردادهای اقتصادی و پیمانهای نظامی و سیاسی که به حاکمیت آنها زیان میرساند، تحمیل میکنند و از طریق صدور سرمایه و بازرگانی نابرابر و شعبده بازی با قیمت ها و مظنعی

ارز و وامها و اشکال مختلف باصطلاح "کمک" و اعمال فشار از جانب سازمانهای مالی بین المللی ایـــن کشورها را مورد استثمار قرار میدهند.

پرتگاه بین کشورهای کاملا رشد یافته ی سرمایه داری و اکثریت کشورهای دیگر جهان سرمایه - داری عمیقتر میگردد: در یک سلسله از این کشورها گرسنگی مسئله ی حادی است. امپریالیسم بـــا تشویق ارتجاع سیونالیسم ارتجاعی بین کشورهای رشد یابنده اصطکاک ایجاد میکند و بین آنها انشعـــاب بوجود می آورد. امپریالیسم بکمک آنتی کمونیسم میکوشد انقلابیون این کشورها را دچار تفرقه کند و آنهـــا را از بهترین دوستانشان یعنی کشورهای سوسیالیستی و جنبش انقلابی کارگری کشورهای سرمایـــه داری منفرد گرداند.

امپریالیسم با استفاده از پیمانهای نظامی ــ سیاسی و پایگاههای خود در اراضی دیگـران و فشار اقتصادی و محاصره ی بازرگانی وضع وخامت آمیز را در برخی از مناطق جهان نگاه میدارد و بـــه سازمانهای ارتجاعی از جهت مالی و سیاسی کمک میرساند و فشار سیاسی را تشدید میکند.

مداخله ی مسلحانه، سرکوب قساوتکارانه ــ بویژه در آن نقاط که مبارزه اشکال حادتری بخـــود میگیرد و نیروهای انقلابی سلاح در دست مبارزه میکنند ــ توطئه های ضد انقلابی، کودتاهای ارتجاعی و فاشیستی، فتنه انگیزی و شانتاژ ــ همه ی این وسایل را امپریالیسم بکار میبرد.

امپریالیسم در مقابل تحکیم مواضع جهانی سوسیالیسم میکوشد وحدت سیستم جهانی سوسیالیستی را تضعیف کند و از اختلاف در جنبش انقلابی جهانی استفاده میکند تا در صفوف آن انشعاب ایجاد کنـــد و ماشین ایدئولوژیک خود و از آنجمله وسایل اطلاع عمومی را در خدمت آنتی کمونیسم و مبارزه علیه سوسیالیسم و کلیه ی نیروهای مترقی قرار میدهد.

امپریالیسم طی سالهای گذشته بیش از یکبار بحرانهای حاد جهانی که بشریت را در آستانه ی برخورد هسته ای قرار میداد، برانگیخته است. ولی امپریالیسم ایالات متحده ی امریکا ناچار است تناسب قوای مستقر شده در عرصه ی جهانی و ظرفیت هسته ای اتحاد شوروی و عواقب ممکن جنگ موشکـــی ــ هسته ای را در نظر گیرد و برای وی دمبدم دشوارتر و خطرناکتر میشود به برافروختن شعله ی جنـــگ جهانی امید ببندد. در این شرایط محافل حاکمه ی امریکا از تدارک این جنگ سر باز نمیزنند و بویژه بر روی جنگهای محلی تکیه ی خاصی میکنند.

ولی تضاد بین سیاست "از موضع قدرت" که امپریالیسم اجرا میکند و امکانات واقعی امپریالیســم بیش از پیش بروز میکند. امپریالیسم قادر نیست ابتکار تاریخی را که از دست داده است بخود بازگرداند و تکامل جهان کنونی را به سیر قهقرائی وادارد. شاهراه تکامل انسانیت را سیستم جهانی سوسیالیستی و جنبش کارگری جهانی و همه ی نیروهای انقلابی معین میکنند.

## درس تاریخی ویت نام

جنگ در ویت نام مقنع ترین برهان برتضاد بین نقشه های تجاوزکارانه ی امپریالیسم و امکانـــات برای اجرای این نقشه هاست. شکستی که امپریالیسم امریکا که نیرومند ترین امپریالیستها ست در ویت نام متحمل میشود، دارای اهمیت تاریخی است.

مداخله ی مسلحانه در ویت نام در نقشه های نظامی و سیاسی امپریالیسم امریکا جای ویژه ای دارد. قصد تجاوزکاران این بود که یکی از پایگاههای مقدم سوسیالیسم را در آسیا سرکوب کند و راه آزادی و ترقی را بر روی خلقهای آسیای جنوب خاوری مسدود سازد و به جنبشهائی بخش ملی ضربت وارد آورد و

استواری همبستگی پرولتاری کشورهای سوسیالیستی و زحمتکشان همه ی جهان رامورد آزمایش قرارد هد
ولی امپریالیسم امریکاعلی رغم آنکه مقد ارعظیمی وسائل جنگی رابکاراند اخته مجبورشد ه است بـا
قطع بلا شرط بمباران جمهوری د مکراتیك ویتنام موافقت کند و نمایند گانش پشت میز مذ اکره با نمایند گان
جمهوری د مکراتیك ویتنام و جبهه ی رهائی بخش ویتنام جنوبی قرارگرفتند .

علت این امر د لاوری بی همتای خلق ویتنام و بصارت سیاسی جمهوری د مکراتیك ویتنام و جبهه
رهائی بخش ملی ویتنام جنوبی و کمك همه جانبه ی کشورهای سوسیالیستی و د روهله ی اول اتحـاد
شوروی به خلق ویتنام و همبستگی پیکارجویانه ی روز افزون د رسراسرجهان وازانجمله د رخود ایمـالات
متحد ه ی امریکاست . مد اخله ی تبه کارانه د رویتنام به انفراد جد ی سیاسی واخلاقی ایالات متحد ه منجر
گرد ید و تود ه های وسیعترخلق و قشرهای تازه ی اجتماعی و نیروهای سیاسی رابه نبرد علیه امپریالیسم
برانگیخته و کشمکش میلیونها جوان راد ر بسیاری ازکشورهابه نبرد ضد امپریالیستی تسریع کرد و تضاد های
موجود بین کشورهای امپریالیستی راتشد ید و تضاد های نوینی ایجاد نمود ه است . کامیابیهای خلـق
قهرمان ویتنام بنحوی مقنع نشـان مید هد که د رحال حاضر برای خلقهائی که قاطع و باکلیه ی وسایل از
استقلال و حاکمیت و آزاد ی خویش د فاع میکنند و از پشتیبانی وسیع جهانی برخورد ارند ، ایراد شکست
به تجاوز امپریالیستی بیش ازپیش میسراست .

## تحریکات امپریالیستی د رخاورنزد یك و د رمورد کوبا

تجاوز اشغالگران اسرائیلی علیه جمهوری متحد ه ی عربی و سوریه و اردن بحران بزرگ جهانی
د رخاورنزد یك پد ید آورد ه است . امپریالیسم مقد م برهمه امپریالیستهای امریکا بکمك این تجاوزکوشید تا
رژیمهای مترقی کشورهای عربی راخورد کنند و جنبش رهائی بخش عرب راسرکوب نمایند و مواضع خود را
د رخاورنزد یك یاحفظ و یا احیاء نمایند . ولی بد ینکارموفق نشد ند . بااینحال نیروهای حاکمعی اسرائیل
با پشتیبانی ازتجاوز بین المللی وازانجمله محافل صهیونی بحطالبات کشورهای عربی وخلقهای صلحد وست و
تصمیمات سازمان ملل متحد د ر باره ی خروج سپاهیان اسرائیل از اراضی اشغالی بی اعتنا هستند وباجراء
سیاست توسعه طلبی والحاق طلبی اد امه مید هند و منظماد ست به فتنه انگیزیهای نظامی تازه بتازه ای
میزنند . حزب کمونیست اسرائیل و د یگر نیروهای مترقی این کشور علیه این سیاست اقد ام میکنند . خلقهای
عرب به مبارزه ی قاطع د رد فاع ازآزاد ی و استقلال و ترقی ملی و برای بازگشت کلیه ی اراضی اشغالـی و
برسمیت شناختن حقوق ملی خلق عرب فلسطین اد امه مید هند . جنبش پاید اری علیه اشغال بسـط
می یابد واشکال مختلف بخود میگیرد و از پشتیبانی د مد م بیشتری برخورد ارمیگرد د . اتحاد شوروی و د یگر
کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی جهانی و همبستگی نیروهای رهائی بخش ملی و محافل اجتماعی
د مد م وسیعتر کشورهای سرمایه د اری د رجانب این خلقهاست .

امپریالیسم امریکا نقشه مختنق کردن کوبای انقلابی راترك نمیکند . این امپریالیسم با نقـض
خشن حقوق بین الملل کماکان استقلال جمهوری کوباراتهد ید میکند و میکوشد کوباراد رمحاصره اقتصادی
قرارد هد و به فعالیت خرابکارانه و تحریك آمیز علیه کوباد ست میزند . ولی خلق د لاورکوبا برهبری حـزب
کمونیست خود و با پشتیبانی اتحاد شوروی و د یگرکشورهای سوسیالیستی و نیروهای مترقی امریکای لاتین و
کلیه ی جنبشهای استقلال طلب بااستواری ازحاکمیت و آزاد ی خود یعنی از پاسگاه مقد م سوسیالیسم
د رقاره ی امریکا د فاع مینماید .

مرکز اسناد ...
شماره ثبت ۹۴۹۷
تاریخ ۷۴/۴/۲۵



## سیاست تجاوزکارانه ی امپریالیستها در نقاط دیگر جهان

در اروپا پیمان اتلانتیک شمالی که حربه ی عده ی تجاوز و ماجراجوئی امپریالیستی است گرم فعالیت است. محور آن اتحاد واشنگتن و بن است. محافل حاکمه ی ایالات متحده ی امریکا و جمهوری فدراتیو آلمان و انگلستان بدون توجه به اراده ی خلقهای اروپا، همه ی مساعی خود را بکار می بندند تا زندگی این پیمان را طولانی کنند و سازمانهایش را تحکیم و "حضور نظامی" امریکا در قاره ی اروپا حفظ کنند.

بطور عمده با کمک سازمان اتلانتیک شمالی، امپریالیسم آلمان غربی که کانون اساسی خطر جنگی در مرکز اروپا است احیاء و تقویت شده است. محافل حاکمه ی امپریالیستی جمهوری فدراتیو آلمان که نئو-نازیسم و میلیتاریسم در آن قوت میگیرد برنامه ی تلافی جویانه ی تجدید نظر نتائج جنگ دوم جهانی و تغییر مرزهای یک سلسله از کشورهای اروپائی را مطرح میسازند. مقدم بر همه چیز این سیاست علیه نخستین دولت سوسیالیستی کارگری ـ دهقانی آلمان یعنی جمهوری دموکراتیک آلمان متوجه است و کلیه ی خلقهای اروپا و صلح جهانی را تهدید میکند.

کشورهای مدیترانه جای مهمی در نقشه های امپریالیستی دارند. امپریالیسم ایالات متحده ی امریکا در اسپانیا پایگاههای مهمی دارد و به حفظ رژیم فاشیستی فرانکو علیرغم اراده ی خلق مبارز اسپانیا کمک کرده است و میکند. ناوگان ششم امریکا و سیستم پایگاههای جنگی که خلقها و امر صلح را در این منطقه تهدید مینماید و سیله ی دائمی اعمال فشار سیاسی و نظامی است. تشدید مکرر وضع در قبرس و کودتای فاشیستی در یونان کار امپریالیستها است که از گروه سرهنگان ارتجاعی حمایت میکنند.

آسیای جنوب خاوری و خاور دور یکی از مناطق عمده ایست که در آن امپریالیستها سیاست تجاوز و ماجراجوی جنگی را اجراء میکنند. پیمانهای "سه آتو" و "آنزوس" و باصطلاح قرارداد امنیت بین ایالات متحده ی امریکا و ژاپن با اشغال عملی بخش جنوب باختری اقیانوس ساکن و اقیانوس هند از طرف نیروهای مسلح امریکا تکمیل میگردد. سراپای این سیستم در درجه ی اول علیه کشورهای سوسیالیستی آسیا و جنبش رهائی بخش ملی و نیز کشورهای بیطرف و غیرمتعهد این منطقه متوجه است. امپریالیستهای امریکا به اشغال جزیره ی تایوان که بخش انفکاک ناپذیر جمهوری توده ای چین است ادامه میدهند و احیاء حقوق حقه ی وی را در سازمان ملل متحد مانع میشوند. ایالات متحده ی امریکا به تحریکات نظامی علیه جمهوری دموکراتیک کره و اشغال کره ی جنوبی ادامه میدهد، در راین کشور دست بخود سری میزند و نیروهای مترقی خواستار آزادی و وحدت کشور را سرکوب میکند. ایالات متحده علیه لائوس دست به تجاوز میزند و علیه کامبوج تحریکات میکند و پایگاه نیرومند نظامی در تایلاند ایجاد کرده و توسعه میدهد، سرسختانه به هند اعمال فشار میکند تا این کشور از موضع عدم تعهد و تکامل مستقل اقتصادی دست بردارد. امپریالیستها کودتای ضد خلقی در اندونزی را که در نتیجه ی آن صدها هزار کمونیست و دموکراتهای دیگر نابود شدند مورد حمایت قرار داده اند. محافل ارتجاعی اندونزی به سرکوب خونین ادامه میدهند، امری که بنابودی همه ی ثمرات انقلاب اندونزی منجر شده و کشور را به محروم شدن از استقلال تهدید میکند.

فعالیت امپریالیسم در یک سلسله از کشورهای افریقا افزایش یافته است. امپریالیسم میکوشد بسط مبارزه ی رهائی بخش را متوقف کند و مواضع خود را در این قاره حفظ و تحکیم نماید. امپریالیستهای انگلستان، فرانسه، ایالات متحده ی امریکا، آلمان غربی، ژاپن در این قاره وسیعا از اسلوبهای نو استعماری استفاده میکنند و به اعمال نفوذ و اسیر ساختن این کشورها از نظر اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک دست میزنند.

امپریالیسم برای اجراء نقشه های خود به انواع وسایل دست می یازد مانند: مداخله مسلحانه

د رکنگو (کین شاسا)، کودتاهای ارتجاعی د رغنا و برخی کشورهای د یگر، تحریکات به قصد تجزیه ی نیجریه، حمایت سیاسی و نظامی از د سته بند یهای ارتجاعی و ضد ملی و رژیمهای فاشیستی و نژاد پرستانه د رافریقای جنوبی و رود زی جنوبی، تحریک تضاد مات بین کشورها وخصوصت بین قبایل، فشار ر اقتصادی و توسعه طلبی انحصارها. استعمارطلبان پرتغالی بزورا سلحه و باتکیه بکمك پیمان اتلانتیك شمالی (ناتو) سعی د ارند متصرفات خود راحفظ کنند.

امپریالیسم ایالات متحد ه ی امریکا رخنه ی اقتصادی و نیز مد اخله ی خود راد رحیات سیاسی، ایدئولوژیك و فرهنگی کشورهای امریکای لاتین تشد ید میکند. وی د راتحاد بانیروهای ارتجاعی محلی سیاستی رااجرا" مینماید که هد ف آن جلوگیری ازآنست که خلقهای د یگرامریکای لاتین سرمشق کو بارا پیروی کنند. ایالات متحد ه باهرگامی که هد ف آن نیل به استقلال اقتصادی واستقلال سیاسی واقعی باشد مخالفت ورزید ه است.

باین منظور امپریالیسم امریکانقشه ی "اتحاد برای ترقی" رابمیان کشید و به اشکال نوین و سیطره جوئی متوسل میشود. ایالات متحد ه ی امریکاسازمان کشورهای امریکائی و اتحاد نظامی بین د ول امریکائی رابخد مت سیاست خود میگمارد و میکوشد حق مد اخله ی نظامی د رهرکشوامریکای لاتین را بد ست آورد، همچنانکه د رجمهوری د ومینکن و د ریانامابد ین شیوه عمل کرد ه است. امپریالیستهای امریکا، غالبا ازطریق کودتاهای نظامی، د یکتاتوریهای ارتجاعی رامستقرساخته و مورد حمایت قرارمید هند و فعالیت انشعابی د ر جنبش اتحاد یه ای راتشد ید میکنند ونفوذ خود را د ر نیروهای مسلح و پلیسی بسط مید هند واقد امات تضییقی علیه جنبش خلق راالهام میبخشند. ایالات متحد ه ی امریکاد رعملیات نظامی علیه جنبش پارتیزانی د ر برخی ازکشورهای امریکای لاتین شرکت مستقیم جسته است. ولی سیاست امپریالیسم امریکا بامشکلات بزرگی رو بروست. وی به تثبیت رژیمهای ارتجاعی موفق نمیشود و بحصول توافق ازجانب همهٔ د ولتهای امریکای لاتین برای ایجاد "نیروی صلح بین د ول امریکائی" نائل نمیگرد د "اتحاد برای ترقی" د چارشکست شد ه است.

کشورهای د یگرامپریالیستی بویژه آلمان غربی و ژاپن نیز میکوشند تاجای پای خود راد راین قاره مستحکم سازند.

## جنبش پرتوان مبارزه و پرخاش

سراپای سیاست تجاوز امپریالیستی که صلح وامنیت واستقلال ملی خلقهارا د رسراسرجهان تهد ید میکند د رکشورهای سرمایه د اری با مقابله ی روز افزون طبقه ی کارگر، د هقانان، جوانان، د انشجویان، وسعترین تود ه ها، صرفنظرازمواضع سیاسی و جهان بینی های آنها، رو برو میگرد د. جنبش پرتوان پرخاش و اعتراض علیه تجاوز امریکاد رویتنام، اقد امات پیکارجویانه ی نیروهای د موکراتیك راعلیه سیاست امپریالیسم امریکاد رمجموع و علیه مشی د ولتهائی که حامی این سیاست هستند، تشد ید میکند.

مبارزه ی د لاورانه ی خلق ویتنام، د ر ژاپن و د یگرکشورهای آسیائی به بسط جنبش برچید ن پایگاههای نظامی امریکا و الغا" قرارد اد هائی که این کشورهارابه سیاست پنتاگن پیوند مید هد منجر شد ه است. حتی د رایالات متحد ه ی امریکا، د رهمان مرکزیکه ازانجاتجاوز روی مید هد، جنبش پیکار جوی تود ه ها علیه جنگ و میلیتاریسم بروز کرد ه است.

د راروپای باختری جنبش علیه پیمان تجاوز کار ناتو و برای نرمالیزه کرد ن و بسط همکاری بین د ولتها و برای تامین امنیت اروپا قشرهای د یگرد م وسیعتر اهالی راد ر برمیگیرد. د رآلمان غربی نیروهائی که بشکل فعال علیه تلافی جویان و میلیتاریست ها اقد ام میکنند د رکارافزایشند. د رآن کشور

هائی که در آنها پایگاههای نظامی امریکا حفظ شده است ، بانگ مطالبه ی الغاء این تکیه گاههای تجاوزکارانه در مدم رساتر بگوش میرسد.

خلقهای امریکای لاتین علیه ستم و مداخله ی بیشرمانه ی امپریالیسم امریکا در امور داخلی خود پیکار میکنند. جنبش اعتصابی کارگران، تظاهرات دهقانان، اقدامات دانشجویان و دیگر شورشها گواه بسر آنست که توده های وسیع در سراسر قاره برمیزان مقاومت خود علیه تحکم و تحمیل ایالات متحده ی امریکا و نقشه های جنگی وی می افزایند.

در برخی از کشورها نیروهای انقلابی به مبارزه ی مسلح علیه سیطره ی الیگارشی و امپریالیسم دست میزنند. احساسات ملی خلقها و مشکلات اقتصادی میتوانند حتی برخی از دولتها را به اتخاذ تدابیر مهم علیه امپریالیسم وادارد. گرایش استقرار یا بسط مناسبات با کشورهای سوسیالیستی و از جمله کوبا ناشی از همین امر است. احزاب کمونیستی و کارگری برای مبارزه ی ضد امپریالیستی و دموکراتیک قرار دارند. علی رغم پیگرد از جانب محافل ارتجاعی، این احزاب فداکارانه و دلیرانه برای اجرای خواستهای مردم و برای اصلاح انقلابی جامعه عمل میکنند.

در نتیجه ی اعتلاء جنبش رهائی بخش ملی خلقهای آسیا و افریقا ضربتی سنگین بمواضع امپریالیسم در این قاره ها وارد آمده است. این خلقها علیرغم دشواریهای جدی، پیکار علیه استعمار و نو استعمار را ادامه میدهند و سهم خود را در تعرض عمومی علیه امپریالیسم ادا میکنند.

حوادث دهه های اخیر بانیروئی بازهم بیشتر چهره ی امپریالیسم امریکا را بمثابه بهره کش و زاندارم جهانی و دشمن آشتی ناپذیر جنبش های رهائی بخش افشاء کرده است. انحصارهای امریکائی در اقتصاد دهها کشور رخنه کرده اند و در آنها سرمایه گذاری خود را افزایش میدهند و به احتکار کنترل خود بر مواضع کلیدی اقتصادی این کشورها دست می یابند.

امپریالیسم آلمان غربی برقدرت اقتصادی خویش می افزاید و ماشین جنگی خود را بسط میدهد. بسوی سلاح اتمی دست می یازد و سخت در جستجوی سیطره یافتن بر اروپای غربی است. این امپریالیسم باتمام اقداماتی که به خلع سلاح و تخفیف وخامت وضع جهانی بیانجامد مخالفت میورزد و به سیاست نو استعماری و توسعه طلبی در مورد کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین دست میزند.

علیرغم ضعف امپریالیسم بریتانیا، انگلستان در عداد دولتهای عمده ی امپریالیستی است و میکوشد مواضع خود را در افریقا، آسیا، دریای کارائیب، خاور نزدیک، بکمک شیوه های نو استعماری و گاه بوسیله مداخله ی مستقیم نظامی حفظ کند. انگلستان در مسائل عمده ی سیاست جهانی بمثابه یکی از فعالترین دستیاران امریکا عمل میکند و یکی از نیروهای مهم تجاوزکار در ناتو است و سعی دارد پیوند نزدیکتری را با آلمان غربی برقرار نماید.

امپریالیسم ژاپن در حال قوت گرفتن است، توسعه طلبی او بیش از همه در آسیا فزونی می یابد. در ژاپن بار دیگر میلیتاریسم سر بلند میکند. محافل حاکمه ی ژاپن که با پیوند های فراوانی با امپریالیسم امریکا ارتباط دارند عملا کشور را بیکی از زراد خانه های امریکا در نبرد علیه خلق ویتنام بدل ساخته اند و در تحریکات علیه خلق کره شرکت دارند.

امپریالیسم فرانسه میکوشد مواضع خود را در اقتصاد و سیاست جهان حفظ و تحکیم کند و عنوانه به ایجاد نیروی ضربتی هسته ای ادامه میدهد و از پیوستن به اقداماتی که میتوانست به خلع سلاح کمک کند خودداری میورزد. فرانسه تسلط استعماری خود را بر خلقهای گوادلوپ، مارتی نیک، رئونیون و برخی از کشورهای افریقا و اقیانوسیه حفظ کرده است و از قبول حق تعیین سرنوشت، حق ادارهی مستقلانهٔ امور خود در مورد این کشورها سر باز میزند. امپریالیستهای فرانسه با استفاده از نفوذی که در مستعمرات

سابق خود حفظ کرده اند و با بکار بردن شیوه های نوین سیاست استعماری بویژه در افریقا فعال عمل میکنند.

توسعه طلبی سرمایه ی انحصاری ایتالیا در کار افزایش است.

## بسط تضاد بین کشورهای امپریالیستی

بین دولتهای مختلف امپریالیستی در سراسر جهان سرمایه داری ناموزونی رشد اقتصادی تشدید می یابد. زندگی در سنتی حکم مارکسیستی ـ لنینیستی را درباره ی نبرد بین کشورهای امپریالیستی، بین انحصارهای سرمایه داری بر سر عرصه ی نفوذ ثابت کرده است. رقابت صنعتی و بازرگانی ژرفتر میشود، جنگ مالی و ارزی گسترش می یابد. رقابت در اروپای غربی و از انجمله در "بازار مشترک" و نیز رقابت بین کشورهای سرمایه داری اروپا و ایالات متحده ی امریکا افزایش می یابد. امپریالیسم ژاپن در نبرد برای بازار و سود حد اکثر با فعالیت تمام شرکت میجوید.

تضاد های بین کشورهای امپریالیستی تنها محدود به عرصه ی اقتصادی نیست. ناتو دچار بحران جدیست. در پیمانهای تجاوزکارانه ی آسیا مانند سنتو، سه آتو شکاف هائی پدید شده است. اروپای باختری به میدان ستیزه بین کشورهای سرمایه داری بدل گردیده است و این امر موجب تضعیف سیستم جهانی امپریالیستی شده و نقشه های سیطره جویانه ی امپریالیسم امریکا را دچار اختلال میسازد.

همچنین تضاد های درون محافل حاکمه ی کشورهای امپریالیستی، بین جنگجوترین گروه - بندیهائی که خواستار دست زدن به اقدامات افراطی و جنگ هستند و آنهائی که با توجه به تناسب نوین نیروهای طبقاتی در جهان و افزایش قدرت کشورهای سوسیالیستی مایلند واقع بینانه تر به مسائل بین - المللی برخورد کنند و این مسائل را در روح همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای نظامات مختلف حل نمایند، تشدید میگردد. محافل حاکمه ی برخی از کشورها ضرورت بحساب آوردن آن وضع واقعی را که در نتیجه ی جنگ و تکامل پس از جنگ در اروپا مستقر شده است و شروع کرده اند به درک ضرورت برسمیت شناختن جمهوری دموکراتیک آلمان. علی رغم فشار از جانب ایالات متحده ی امریکا، یک سلسله از کشورها، جمهوری دموکراتیک ویت نام و جمهوری توده ای چین را برسمیت شناخته اند.

احزاب کمونیستی و کارگری، طبقه ی کارگر، نیروهای ضد امپریالیستی کلیه ی تضاد های اردوگاه خصم را در نظر میگیرند و میکوشند آنها را ژرفتر کنند و از آنها برای مصالح صلح و ترقی استفاده نمایند.

هریک از کشورهای امپریالیستی هدف های خود را دنبال میکنند. در عین حال همه ی آنها حلقات سیستم جهانی امپریالیستی هستند.

## مختصات امپریالیسم معاصر و انقلاب علمی و فنی

امپریالیسم معاصر که میکوشد با شرایط مبارزه ی دو سیستم و خواستهای انقلاب علمی و فنی خود را سازگار سازد، دارای برخی مختصات تازه است. خصلت انحصاری ـ دولتی وی تقویت میشود. بیش از پیش از اهرمهای زیرین استفاده میشود: تحریک تمرکز انحصاری تولید و سرمایه از جانب دولت، تجدید توزیع سهم بیشتری از درآمد ملی بین آنها، احاله ی سفارشهای جنگی و تأمین اعتبار برنامه های رشد صنعتی و پژوهشهای علمی از جانب دولت، تنظیم برنامه های رشد اقتصادی در مقیاس کشور و سیاست انتگراسیون امپریالیستی و اشکال نوین صدور سرمایه.

ولی تنظیم انحصاری ـ دولتی که در اشکال و مقیاسهائی مناسب با منافع سرمایه ی انحصاری

اجراء میگردد و هدف آن حفظ سیطره ی اوست قادر نیست نیروهای خود بخودی بازار سرمایه داری را مهار کند. تقریبا هیچیک ازکشورهای سرمایه داری ازنوسانات قابل‌ملاحظه ی اد واری و افت اقتصادی در نمانده است ؛ اد وارآهنگ سریع رشد صنعت در برخی کشورها جای خود را به اد وارآهنگ نازل رشد و ای چه بسا تنزل تولید میدهد ، بحران حاد ارزی ـ مالی بر پیکرسیستم سرمایه داری لرزه افکنده است.

انقلاب علمی‌وفنی در برابرانسانیت امکانات بی‌سابقه ای برای دگرگون ساختن طبیعت و ایجاد ثروتهای عظیم مادی و چند برابرکردن استعدادهای خلاقه ی انسان، پدید آورده است. درحالیکه این امکانات میبایست برای خیرهمگان مورد استفاده قرارگیرد ، سرمایه داری ازانقلاب علمی و فنی برای افزایش سود خود و تشدید بهره کشی زحمتکشان استفاده میکند.

انقلاب علمی‌و فنی پروسه ی اجتماعی‌شدن اقتصاد راتسریع میکند واین امر درشرایط سیطره ی انحصارها به تجدید تناقضات اجتماعی‌درمقیاسهای بزرگتر و با شدت بیشتر منجرمیشود. نه تنهاکلیه‌ی تضادهای گذشته ی سرمایه داری حدت می یابد ، بلکه تضادهای تازه ای پدید میگردد : ازانجمله و مقدم برهمه تضاد بین امکانات فوق العاده ایست که انقلاب علمی‌وفنی‌ایجاد کرده و موانعی‌که سرمایه ـ داری درراه استفاده ازاین امکانات بمصلحت سراسرجامعه بوجود می‌آورد و بخش بیشتراکتشافات علمی‌و منابع‌عظیم مادی رابرای مقاصد جنگی‌بکارمیبرد و بدینسان ثروتهای ملی‌راتلف میکند،ونیز ازانجمله تضاد بین خصلت اجتماعی‌تولید معاصرو خصلت دولتی ـ انحصاری تنظیم آنست ، وازانجمله نه تنهاافزایش تضاد بین کاروسرمایه ، بلکه عمیق شدن تناقض بین منافع اکثریت ملت و الیگارشی‌مالی‌است.

حتی‌در رشد یافته ترین کشورهای سرمایه داری میلیونهاانسان رنجهای بیکاری و فقر و فقدان اطمینان بفرد ارامتحمل‌میگردند. علیرغم دعاوی مربوط به "انقلاب‌در درآمدها" و همکاری اجتماعی، بهره کشی سرمایه داری‌تشدید میشود. افزایش مزد بمراتب ازآهنگ رشد بازده کاروتشدید پروسه ی کار و نیازمند یهای اجتماعی‌عقب‌تراست و باافزایش سود انحصارها درخورد قیاس نیست. وضع‌خورده دهقانان وخیمتر و شرایط زندگی بخش عمده ای از قشرهای متوسط اهالی دشوارترمیگردد.

## ناپایداری سرمایه داری وضرورت تغییرات قاطع

ناپایداری سیستم سرمایه داری افزایش یافته است. بحرانهای اجتماعی ـ سیاسی دربسیاری ازکشورهادرمیگیرد و توده های وسیع‌زحمتکشان درجریان بحرانها به ضرورت تغییرات ژرف و قاطع پی‌میبرند.

مقدم برهمه حوادث فرانسه درماه ژوئن ۱۹۶۸ و جنبش پرتوان اعتصابی‌که درانجاگسترش یافت و کمونیستها درآن نقش عمده راایفاء کرده و در جریان آن زحمتکشان به نتایج درخور ملاحظه‌ای نائل‌گردیده اند ، گواه براین امراست. تصادم جدی که بین طبقه ی کارگر و بخش معتنابهی از روشنفکران و دانشجویان از سوئی و رژیم دوگل و قدرت انحصارها ازسوی دیگرروی داده است، امکانات نوین مبارزه درراه دمکراسی‌و سوسیالیسم رابرملاکرده است.

درایتالیامبارزه‌ی اعتصابی بمقیاس سراسرملت درکارافزایش دائمی‌است وگسترش رزمهای بزرگ سیاسی و کارزار نیروهای چپ درانتخابات سیاست مرکز چپ راکه بکمک آن طبقات حاکمه میخواستند سرمایه داری راتثبیت کنند ، بنحوی جدی متزلزل کرده است.

درآسپانیامبارزه ی توده ها دیکتاتوری فاشیستی‌فرانکو را که مجبورشد باقدامات فوق العاده توسل جوید ضعیف‌ترساخته است ؛علیرغم تضییقات ، مبارزه بسط می‌یابد و قشرهای تازه بتازگی اجتماعی

و محافل وسیع مردم وارد اپوزیسیون ضد فاشیستی میشوند.

در انگلستان نبرد های مهم طبقاتی و ازانجمله اعتصابات سیاسی بدفاع از اتحاد یه ها و حق اعتصاب که دولت لیبریست آنرا مورد حمله قرارداده است گسترش می یابد.

مبارزه ی طبقاتی، اعتصاب و دیگرانواع اقدام زحمتکشان، دانشجویان و دیگرقشرهای اجتماعی در ژاپن، مکزیک، برزیل، آرژانتین، آلمان غربی، اوروگوئه، بلژیك، پرتغال، شیلی، هند، پاکستان، ترکیه و دیگرکشورها و نیز در برلن غربی حدت یافته است. بسط جنبش دموکراتیك در توفیق کمونیستها و دیگرنیروهای مترقی در انتخابات برخی ازکشورها وازانجمله ژاپن مشهود است. دولت جبهه ی دمکراتیك با شرکت کمونیستها در برخی از ایالات هند تشکیل شده است. کمونیستها در دولت فدرال شرکت دارند.

عمق بحران در جهان سرمایه داری همچنین در اعتلاء مبارزه ی توده ای در خود ایالات متحده امریکا که در بعد امپریالیسم جهانی است باوضوح انعکاس می یابد. کوههای سیاه نشین راموجی از عصیان علیه تبعیض نژادی، فقر و گرسنگی و قساوت پلیسی فراگرفته است. در هیاهوی امریکائی به صحنه ی تصادمات شدید باگرد انهای مسلح ارتش و پلیس مبدل گردیده و در نتیجه ی آن عده ی بسیاری قربانی شدند و هزارها سیاهپوست بزندان افتادند.

در ایالات متحده ی امریکا اعتصابات پیکارجویانه ای برای برآوردن خواستهای اقتصادی روی میدهد که اغلب آنها علی رغم تهدید دولت و اراده ی لیدرهای ارتجاعی اتحادیه ها آغاز میگردد. فعالیت اعضاء عادی و نیروهای مترقی در اتحادیه ها افزونی می یابد. قشرهای وسیع زحمتکشان علیه جنگ در ویتنام اقدام میکنند.

روشنفکران، صاحبان مشاغل آزاد، محافل روحانی ایالات متحده ی امریکا فعالتر در جنبش اعتراضی اجتماعی و در جنبش صلح شرکت میجویند. جوانان و بویژه دانشجویان اعم ازسیاه یا سفید باشکال مختلف و با قاطعیت علیه جنگ ویتنام و احضار به ارتش و تبعیض نژادی و نظارت انحصارها بر دانشگاهها مبارزه میکنند. ارتجاع باین وضع با سوء قصد علیه رجال اجتماعی پاسخ میدهد و فشار تشدید میشود و اعمال زور مقیاس بزرگی کسب میکند. شیوه ی کذائی زندگی امریکائی در دیده ی مردم جهان بی اعتبارتر میشود.

بورژوازی انحصاری همه جا میکوشد این پندار را پخش کند که زحمتکشان میتوانند بدون تحول انقلابی نظام موجود بهرچه که میخواهند دست یابند. سرمایه داری برای مستور داشتن سرشت بهره کش و تجاوز کارخود به مفاهیم گوناگون آرایشگرانه (مانند "سرمایه داری خلقی"، "دولت رفاه عمومی" "جامعه ی فراوانی" و غیره و غیره) متوسل میشود. جنبش انقلابی کارگری این مفاهیم دروغین را افشاء میکند و علیه آنها بمبارزه ی قاطع دست میزند و بدینسان بحران ایدئولوژی امپریالیستی راعمیقتر میسازد و توده های مردم ازاین ایدئولوژی بیش ازپیش رویگردان میشوند.

وجدان و خرد انسانیت نمیتواند با تبه کاریهای امپریالیسم سازگار شود. امپریالیسم در ایجاد دو جنگ جهانی که دهها میلیون نفوس بشری را بباد فنا داده مقصر است. امپریالیسم ماشین بی سابقه ی جنگی که منابع هنگفت انسانی ومادی رامی بلعد ایجاد کرده و مسابقه ی تسلیحاتی راتشدید نموده ونقشهٔ تولید سلاحهای جدید رابرای دهها سال آینده تدارك می بیند و خطرجنگ هسته ای راکه در آتش آن صد هامیلیون نفر نابود و کشورها خاکستر میشوند پدید آورده است.

امپریالیسم موجد فاشیسم است که متکی بر رژیم ترور پلیسی و اردوگاههای مرگ است. امپریالیسم هرجاکه بتواند برحقوق وآزادیهای دموکراتیك میتازد و فضیلت انسانی راپایمال میکند ونژاد پرستی را اشاعه میدهد.

امپریالیسم مقصرمحرومیت ها ورنجهای صد هامیلیون نفراست. وی مقصرعمده دراین امراست که

توده های عظیمی در کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین مجبورند در شرایط فقر، بیماری، بیسوادی، مناسبات اجتماعی عتیق زندگی کنند و اقوام کاملی به مرگ و زوال محکوم شوند.

سیر تکامل اجتماعی نشان میدهد که امپریالیسم با منافع حیاتی کسانی که بکار یدی و فکری مشغولند و قشرهای مختلف ملتها و کشورها وارد تصادم میشود. در مقدم قشرهای وسیعتر زحمتکشان و جنبشهای اجتماعی و سراسر یک خلق علیه امپریالیسم به مبارزه برمیخیزند.

طبقه ی کارگر، نیروهای انقلابی و دمکراتیک، خلقها، باید برای خاتمه دادن به اعمال تهاجمی امپریالیسم که میتواند بشریت را به مصائبی بازهم سخت تر دچار سازد متحد گردند و همراه یکدیگر اقدام نمایند. لگام زدن بر متجاوز و رهاندن بشریت از امپریالیسم رسالتی است که بر عهده ی طبقه ی کارگر و کلیه ی نیروهای ضد امپریالیستی است که بخاطر صلح، دمکراسی، استقلال ملی و سوسیالیسم مبارزه می کنند.

## ۲

### نیروهای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم بر نیروهای امپریالیستی برتری دارند

سیستم جهانی سوسیالیسم نیروی قاطع در نبرد ضد امپریالیستی است. این سیستم و بیش از همه اتحاد شوروی برای کلیه ی مبارزات آزادیبخش پشتیبان بی بدیل است.

انقلاب سوسیالیستی اکتبر، ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی، شکست فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن در جنگ جهانی دوم، پیروزی انقلاب در چین و دیگر کشورهای اروپا و آسیا، تشکیل نخستین دولت سوسیالیستی امریکا یعنی جمهوری کوبا، پیدایش و توسعه ی سیستم سوسیالیستی جهانی مرکب از ۱۴ کشور، پرتوافکنی سوسیالیسم در جهان، شرایط تسریع تکامل تاریخی را بوجود آورده اند و دورنماهای نوینی برای ترقی و پیروزی سوسیالیسم در برابر سراسر جهان گشوده اند.

سوسیالیسم دورنمای رهائی از رقیت امپریالیستی را در برابر بشریت پدید آورده. سیستم اجتماعی نوینی که بر پایه ی مالکیت جمعی وسائل تولید و حکومت زحمتکشان قرار گرفته است تأمین تکامل اقتصاد با نقشه و بی بحران را طبق منافع مردم امکان پذیر میسازد و حقوق اجتماعی و سیاسی زحمتکشان را تضمین میکند. سوسیالیسم شرایط استقرار یک دموکراسی واقعی و شرکت حقیقی توده های وسیع مردم را در اداره ی امور جامعه بوجود میآورد، موجبات شکفتگی هماهنگ کلیه ی سجایای فردی، برابری حقوق ملتها و دوستی بین آنها را فراهم میسازد. واقعیات این نکته را به ثبوت رسانده اند که فقط سوسیالیسم قادر است مسائل عمده ای که در برابر بشریت قرار گرفته حل نماید.

سهمی که سیستم جهانی سوسیالیستی در تحقق هدف مشترک نیروهای ضد امپریالیستی ادا میکند قبل از هرچیز معلول رشد قدرت اقتصادی آنست. توسعه ی سریع اقتصاد سیستم سوسیالیستی، که آهنگ رشد ش بیش از کشورهای سرمایه داریست، مواضع پیشرفته ای که وی در بسیاری از بخشهای دانش و فن اشغال نموده است، گشایش راههای کیهانی بوسیله ی اتحاد شوروی و تمام ثمرات کارآفرینده ی خلقهای کشورهای سوسیالیستی، در برتری نیروهای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم بر نیروهای امپریالیستی نقش قاطعی ایفاء میکنند.

اینك جهان سوسیالیستی به آنچنان مرحله ای ازتکامل رسیده است که کلیه ی امکانات رابرای استفاده ی کاملتر از ذخائرعظیمی‌که درنهاد سیستم نو نهفته است به بهترین وجه عرضه میدارد. آماده نمودن و بکاربستن اشکال اقتصادی و سیاسی کاملتری‌که مقتضای‌جامعه ی پیشرفته ی سوسیالیستی است و اکنون دیگر برساختمان اجتماعی نوینی تکیه دارد، برای انجام این وظیفه شرایط مساعدی بوجود میآورد.

ساختمان و تکامل سوسیالیسم برپایه ی پشتیبانی، شرکت و ابتکار وسیعترین توده های مردم قرارداردکه بوسیله ی طبقه ی کارگر تشویق و رهبری میشوند. حزب کمونیست پیشاهنگ جامعه ی سوسیالیستی است. فعالیت سیاسی روز افزون زحمتکشان، گسترش دامنه ی فعالیت خود مختار سازمانهای توده ای آنها، بسط حقوق فردی، مبارزه ی بی‌امان علیه بدیده های بوروکراتیسم، تکامل هماهنگ دموکراسی سوسیالیستی، نیروهای سوسیالیسم رادهچندان میکند و موجبات وحدت ارادهو عمل تمام خلق رافراهم میسازد. تکمیل‌دموکراسی سوسیالیستی، ارتقاء نیروهای بارآور، پیشرفت سیاسی و فرهنگی و اعتلاء ارزشهای انسانی و معنوی موجب افزایش نفوذ سوسیالیسم درمیان زحمتکشان سراسر جهان میگردد و مواضع سوسیالیسم رادرمبارزه ی جهانشمول ضد امپریالیستی‌اش تحکیم میکند.

تجربه نشان میدهد که تحولات سوسیالیستی و ساختمان جامعه ی نوین پروسه ای بغرنج و طولانی‌است. استفاده ازامکانات عظیمی‌که رژیم جدید عرضه میکند درمرحله ی نخست به لیاقت وکارآئی آن احزاب کمونیستی‌وکارگری بقدرت رسیده بستگی‌دارد که بتوانند مسائل‌تکامل سوسیالیستی را بنحو مارکسیستی- لنینیستی حل‌نمایند.

رسوخ علم درعرصه های‌گوناگون حیات اقتصادی و اجتماعی، استفاده ی کامل از دورنماهائی‌که انقلاب‌علمی‌و فنی برای رشد شتابان اقتصاد وپرآورد ن نیازمندیهای تمام اعضاء جامعه بدست میدهند، درنتیجه ی خصلت سوسیالیستی‌مالکیت، دراثرسازمان یافتن نقشه بندی تولید، بوسیله ی شرکت فعال زحمتکشان بدی وفکری دراداره و مدیریت اقتصاد، امکان پذیرگردیده است. گسترش هرچه وسیعتر انقلاب‌علمی‌وفنی، که بصورت یکی‌ازمیدانهای نبرد بین سرمایه داری و سوسیالیسم درآمده است، یك‌خواست موکد جامعه ی سوسیالیستی است.

پیدایش و گسترش جهان سوسیالیستی‌جزء لاینفك مبارزات طبقاتی درعرصه ی جهانی‌است. دشمنان سوسیالیسم ازکوششهای خود دراه برکندن بنیاد حکومت سوسیالیستی، به شکست کشاندن تحولات سوسیالیستی‌جامعه و استقرارمجدد سلطه ی خود دست برنمیدارند. یکی ازوظایف واجب دولت سوسیالیستی‌اینست که باتکیه برتوده های وسیع‌مردم تحت رهبری طبقه ی کارگرو پیشاهنگ کمونیستی‌آن این تلاشهارا باقاطعیت بعقب راند.

دفاع ازسوسیالیسم وظیفه ی انترناسیونالیستی‌کمونیستهاست.

ترقیات و تحکیم هرکشورسوسیالیستی شرط اساسی پیشروی سیستم جهانی‌سوسیالیستی است. تکامل‌اقتصاد ملی و تمام حیات اجتماعی، پیشرفتهای هرکشورسوسیالیستی‌درهمه ی عرصه هاهم باسخگوی منافع‌خلق آن کشور و هم منطبق بامصالح سوسیالیسم در مجموع‌خود است.

## مناسبات میان کشورهای‌سوسیالیستی

یکی‌ازمهمترین وظایف احزاب کمونیستی‌وکارگری کشورهای سوسیالیستی‌عبارت از بسط کلیه ی اشکال همکاری میان خود برای نیل به کامیابیهای نوین درعرصه های اساسی مسابقه ی اقتصادی بین دوسیستم و درپیشرفت علمی‌وفنی‌است. چنین مسابقه ای بین دوسیستم جهانی‌درشرایط تشدید مبارزه بین آنها، مستلزم آنست که برپایه ی اشتراك منافع و هدفهای اساسی دولتهای سوسیالیستی‌و اصول

مارکسیسم - لنینیسم که سیاست این دولتها برآن قرار دارد ، سیستم سوسیالیستی بیش ازپیش برتقسیم بین المللی سوسیالیستی کار و همکاری دوطلبانه تکیه کند که نافی هرگونه لطمه ای بمنافع ملی است و رونق کشور سوسیالیستی و تحکیم تمام سیستم جهانی سوسیالیستی را تأمین میکند.

سیستم سوسیالیستی جهانی که برقدرت اقتصادی و نظامی روزافزونی متکی است آزادی عمل امپریالیسم را محدود میسازد ، امکانات وی را درصدد ورضد انقلاب کم میکند ، باعث فزایندهٔ بخلقهائی که برای آزادی و استقلال خود مبارزه میکنند وظیفه ی انترناسیونالیستی خود را انجام میدهد ، به صلح جهانی وامنیت بین المللی استحکام می‌بخشد. تاهنگامیکه بلوک تجاوزکارانه ی آتلانتیک وجود دارد ، سازمان پیمان ورشو نقش مهمی در تضمین امنیت کشورهای سوسیالیستی در برابرهرگونه حمله ی نظامی کشورهای امپریالیستی و برای حفظ صلح ایفا میکند.

کامیابیهای سوسیالیسم ، نفوذش در جریان حوادث جهانی ، تأثیرمبارزه اش علیه تجاوز امپریالیستی ، تأحدود زیادی منوط به یکپارچگی کشورهای سوسیالیستی است. وحدت عمل کشورهای سوسیالیستی یکی ازعوامل اساسی وحدت کلیه ی نیروهای ضد امپریالیستی است.

استقرارنوع جدیدی ازمناسبات بین المللی و توسعه ی اتحاد برادرانه میان دولتهای سوسیالیستی پروسه ی تاریخی پیچیده و بغرنجی است. پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در چند کشور، ساختمان سوسیالیسم با اشکال گوناگون برپایه ی قوانین عام و با توجه بشرایط تاریخی مشخص و ویژگیهای ملی هر کشور، ادامه یافته است. برای اینکه پروسه ی مزبور باموفقیت دنبال شود احترام اکید به اصول انترناسیونالیسم پرولتری، کمک و پشتیبانی متقابل، رعایت برابری حقوق و حاکمیت و عدم مداخله درامورد اخلی ضروراست.

سرشت سوسیالیسم مبری ازآن قبیل تضادهائی است که درماهیت سرمایه داری نهفته است. هنگامیکه بین کشورهای سوسیالیستی برخی اختلافات بروز میکند - اختلافاتی که ازتفاوت سطح تکامل اقتصادی، ازساختمان اجتماعی وموقعیت بین المللی آنها ناشی میشود و یاوابسته به خصوصیات ملی آنهاست - میتوان و باید برپنیاد انترناسیونالیسم پرولتری، ازراه مذاکرات و همکاری برادرانه و دوطلبانه براین اختلافات غلبه نمود. اختلافات مزبور نباید امکان یابند جبهه ی متحد دولتهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم راباگسلند.

کمونیستها از دشواریهائی که گسترش سیستم سوسیالیستی جهانی باآن مواجه است آگاهند. باوجود این سیستم سوسیالیستی برپایه ی رژیم اقتصادی واجتماعی مشترک برمبنای انطباق منافع و هدفهای اساسی کشورهای تشکیل دهنده آن استقرار یافته است. اشتراک مزبور وثیقه ی غلبه برد شواریها است و ضامن آنست که وحدت سیستم سوسیالیستی همچنان برمبنای اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری استحکام خواهد یافت.

## نقش طبقه ی کارگر درکشورهای سرمایه داری

همچنانکه حوادث دوره ی اخیرنشان داده اند درد رون دژهای سرمایه داری طبقه ی کارگر نیروی محرکه ی عمده ی پیکارانقلابی درمجموع جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی است.

شاخص دوران کنونی آنست که نه تنها مبارزه ی طبقه ی کارگر و توده های وسیع زحمتکشان برای بهبود وضع اقتصادی خویش شدت یافته بلکه نبرد آنان درراه خواستهای سیاسی نیز نیرومند ترشده است. زحمتکشان درعین اینکه برای دفاع از منافع حیاتی خود برخاسته اند بمنظورتحصیل حقوق اجتماعی و آزادیهای دموکراتیک نیز مبارزه میکنند. بیش ازپیش کلیه ی خواستهای آنان علیه دستگاه استیلای سرمایه ی انحصاری و برضد قدرت سیاسی آن توجه یافته است. بیش ازپیش توده های وسیع زحمتکش

د رصدد تغییراساسی د رسیستم اقتصادی هستند که بسرمایه ی بهره کشی انسان قرار ارد.

مبارزات عظیم کارگری که د ر یك سلسله ازکشورهای سرمایه د اری بوقوع پیوسته است قد رت انحصارهارامتزلزل میسازد وناپاید اری و تضاد های جامعه ی سرمایه د اری راتشد ید میکند. این مبارزات نبرد های طبقاتی جد ید ی رانوید مید هند که ممکن است منشاء تغییرات اجتماعی اساسی، انقلاب سوسیالیستی و استقرار قد رت طبقه ی کارگرد راتحاد باد یگرقشرهای زحمتکشان باشند.

نبرد های طبقاتی د وره ی اخیر ضربه بر پند ارهائی است که ازجانب هواد اران نوسرمایه د اری (نئوکاپیتالیسم) و رفورمیسم انتشاریافته است. حواد ث مزبور بانیروی تازه تری اصول بنیاد ی مارکسیسم لنینیسم راتائید نمود ه اند. احزاب کمونیستی وکارگری، برخلاف اپورتونیستهای راست و چپ، مبارزه برای خواستهای اقتصاد ی واجتماعی عمیق و برای استقرار یك د موکراسی پیشرو راد رمقابل مبارزه برای سوسیالیسم قرارنمید هند. بلکه بعکس مبارزه برای خواستهای مزبورراجزء جد اناپذ یری از پیکار برای سوسیالیسم میشمرند. تحولات د موکراتیك ریشه ای ـ رجریان مبارزه علیه انحصارها و بر ضد تسلط اقتصاد ی و قد رت سیاسی آنهاتحقق مییابند موجب آن میگرد د که تود ه های بیش ازپیش وسیعتری به ضرورت سوسیالیسم پی برند.

د روضع جد ید ی که بوجود آمد ه ضرورت وحد ت طبقه ی کارگر بازهم بد یهی ترگرد ید ه است. فاکتها، تجربه ای که طبقه ی کارگر ضمن مبارزات خود بد ست آورد ه است و انتقاد مصممانه ی احزاب کمونیست و کارگری ازمواضع اپورتونیستی ـ امری که وظیفه ی د ائمی آنهاست ـ بحران نظریات رفورمیستی راتشد ید نمود ه است. د رصفوف سوسیال د موکراسی قشربند ی وقوع مییابد و این قشربند ی د رمیان رهبران آن منعکس میگرد د. د رحالیکه برخی ازآنان بصورت مد افعین سرمایه ی انحصاری وامپریالیسم د رآمد ه اند و آب به آسیای آن میریزند د ربرخی د یگرخواستهای تود ه های زحمتکش د رزمینه ی اقتصاد ی و اجتماعی، د رمسئله ی صلح و ترقی بیشترموثر افتاد ه است.

کمونیست هاکه اهمیت عمد ه ای برای وحد ت طبقه ی کارگر قائلند هواد ارهمکاری باسوسیالیست هستند تابتوانند از هم اکنون رژیم د موکراتیك پیشروئی رامستقرسازند وفرد اجامعه ی سوسیالیستی رابنیاد نهند. آنان ازهیچونه کوششی برای بد ست آورد ن و سازمان د اد ن این همکاری د ریغ نمیورزند همچنین کمونیستهاموافقت خود راد رهمکاری باد یگراحزاب و سازمانهای د موکراتیك که علاقه به نو سازی جامعه د ارند اعلام مید ارند. بد یهی است برای پیشرفت د راین راه لازمست که احزاب سوسیالیست وسایر سازمانهائی که خود راموافق سوسیالیسم اعلام میکنند بطورقطع از سیاست همکاری طبقاتی بابورژوازی دست باززنند و سیاست مبارزه ی موثر د رراه صلح، د موکراسی و سوسیالیسم د رپیش گیرند.

سند یکاها که بزرگترین سازمانهای تود ه ای زحمتکشانند نقش عظیمی د رمبارزه ی ضد انحصاری ایفاء میکنند. اگرچنین سند یکائی د رکشورهای سرمایه د اری د چارتفرقه نبود این نقش بمراتب مهمتراز اینهابود. باآنکه بسیاری از رهبران د رراه وحد ت عمل ملی و بین المللی سند یکاهائی که د ارای جهان بینی مختلفند مصنوعامشکلاتی ایجاد میکنند معذ لك طی سالهای اخیرجریان وحد ت جویانه مرتبا تقویت شد ه است. کمونیستها چه د ر د رون هرکشور و چه د رصحنه ی بین المللی هواد اران پیگیروحد ت سند یکائی هستند.

سیاست کمونیستهاکه ناظر بوحد ت عمل همه ی احزاب طبقه ی کارگر و سازمانهای سند یکائی است پشتیبانی روز افزونی بد ست میآورد. این سیاست وحد ت جویانه امکانات جنبش کارگری د ر نبرد علیه امپریالیسم میافزاید و موجب آن میشود که آن بخش از پرولتاریاکه تاکنون سازمان نیافته و بد نبال خرد ه بورژواها میرود بمبارزه جلب گرد د. کمونیستها بمنظوریروزساختن وحد ت طبقه ی کارگر فعالیت سیاسی و اید ئولوژیك خود رابهبود می بخشند.

تسلط سرمایه ی مالی، اجراء "برنامه" های کشاورزی "د ولت های انحصاری موجب آن میشود که

بخش روزافزونی از دهقانان کوچك و متوسط بورشکست سوق داده شوند. در دوران اخیر بخش مزبور در برابر این اقدامات پایداری فزاینده ای نشان میدهد و دست به اقداماتی جمعی میزند که مورد پشتیبانی زحمتکشان شهرها قرار میگیرد. تحکیم اتحاد کارگران و دهقانان یکی از شرایط اساسی کامیابی مبارزات آنها علیه انحصارها و اقتدار آنهاست.

## تعداد روزافزونی از روشنفکران بصفوف مزد بگیران میپیوندند

سرمایه های بزرگ منافع حیاتی قسمت اعظم قشرهای متوسط شهری را پایمال میکنند. بهمین جهت توده های وسیعی از قشرهای متوسط با اینکه متحد نیستند و برای قبول نفوذ ایدئولوژی بورژوازی استعداد ویژه ای دارند برای دفاع از منافع خاص خود بمبارزه جلب میشوند و برای نیل بهدفهای دموکراتیك عام خویش بصفوف پیکار میپیوندند و از اینرو اهمیت حیاتی عمل مشترك با طبقه ی کارگر را برای نیل بمنظور خویش بهتر درك میکنند.

در دوران ما که علم مستقیما بصورت نیروی مولده درمیآید، عده ی روزافزونی از روشنفکران وارد صفوف مزد بگیران میشوند. منافع اجتماعی آنها با منافع طبقه ی کارگر درمیآمیزد، تمایلات آفرینندگی آنان در مقابل ضرورات پویه ی سود سرمایه داری انحصاری قرار میگیرد. گروههای مختلفی از روشنفکران با وجود وضع و موقعیت گوناگونی که دارند بیش از پیش با انحصارها و سیاست امپریالیستی دولتها برخورد پیدا میکنند. بحران ایدئولوژی بورژوائی و جاذبه ای که سوسیالیسم نسبت بآنها اعمال میکند موجب جلب آنان بمبارزه ی ضد امپریالیستی میشود. اتحاد زحمتکشان یدی و فکری روز بروز بعامل مهمتری در مبارزه برای صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی، برای کنترل دموکراتیك تولید و موسسات فرهنگی و اطلاعاتی و برای تحول آموزش و پرورش همگانی طبق مصالح خلق مبدل میگردد.

همگرائی منافع طبقه ی کارگر، دهقانان، قشرهای متوسط شهری و روشنفکران و نیز بسط اتحاد آنها پایه ی اجتماعی حکومت انحصارها را محدودتر و تضادهای درونی آنرا تشدید میکند و امر بسیج توده های وسیع را برای مبارزه ی ضد انحصاری و ضد امپریالیستی تسهیل مینماید.

## شرکت نسل جوان و زنان در مبارزه

افزایش عددی نسل جوان و فعالیت سیاسی روزافزون آن در زندگی اجتماعی اروپای غربی، امریکا، ژاپن، ترکیه و کشورهای دیگر بصورت عامل با اهمیتی درآمده است.

اقدامات جوانان منعکس کننده ی بحران جامعه ی بورژوائی معاصر است. جوانان زحمتکش و بویژه جوانان کارگر که مورد بهره کشی شدید قرار دارند در حکومت سرمایه داری از هرگونه دورنمائی برای آینده محرومند، بیش از پیش در مبارزه ی طبقاتی شرکت میجویند، به سازمانهای سندیکائی، کمونیستی و دموکراتیك میپیوندند. توده های وسیعی از دانشجویان نه تنها علیه نقائص سیستم آموزشی منسوخ، نه تنها برای حق متشکل شدن و شرکت واقعی در اداره ی مراکز تعلیماتی، بلکه علیه سیاست طبقات حاکمه نیز بپای میخیزند. بخش پیوسته بیشتری از جوانان، که نبرد خلق ویتنام و نمونه های قهرمانانه دیگری از مبارزات ضد امپریالیستی در آنها شوری برانگیخته، در نبردهای بزرگ خلق علیه امپریالیسم، برای دموکراسی و سوسیالیسم فعالانه شرکت میجویند.

کمونیستها برای اعتلای جنبش جوانان ارزشی عالی قائلند و خود فعالانه در آن جنبش شرکت میکنند. کمونیستها در جنبش جوانان اندیشه های سوسیالیسم علمی را نشر میدهند، مخاطرات افکار مختلفه ی

انقلابی نمائی راکه ممکن است جوانان راتحت تاثیرقرارد هد نشان داده و میکوشند تاجوانان را برای یافتن راه درست د رمبارزه ی ضد امپریالیستی و برای دفاع ازمنافعشان یاری نمایند . تنهااتحاد نزد یك باجنبش کارگری و پیشاهنگ کمونیستی آن میتواند د ورنماهای واقعاانقلابی رابرای جوانان بگشاید .

شرکت عظیم زنان د رمبارزه ی طبقاتی، د رجنبش ضد امپریالیستی وازجمله د رنبرد بخاطرصلح یکی ازصفات بارز د وران ما ست . شرکت مزبور بویژه د رمورد اقد امات توده ای علیه تجاوز امریکابه ویتنام بنحو چشمگیری نمود ارمیشود . تعد اد زنانی که د رتولید وسایرعرصه های فعالیت بکارمشغولند افزایش میابد، آگاهی آنان بیشتر میشود . مبارزه ی زنان برای حقوق اقتصادی واجتماعی خویش تشد ید میگرد د . زنان زحمتکش خاتمه د اد ن بهرگونه تبعیض د رمورد د ستمزد کارخویش، برابری کامل ازلحاظ حقوق سیاسی و اتخاذ تد ابیرد ر باره ی حمایت ازوضع مادری و غیره رامطالبه میکنند . آنان بیش ازپیش فعالانه د ر مبارزات کارگری و د موکراتیك شرکت میجویند وتعد اد کثیری از آنان به سند یکاهاروی میآورند . احزاب کمونیستی ، که زنان د رفعالیت آن بطورتساوی شرکت د ارند ، باقاطعیت ازخواستهای آنان پشتیبانی میکنند و مسئله ی رهائی زن رابمثابه عامل مهمی برای جنبش عمومی د موکراتیك تلقی مینمایند . نمونه ی کشورهای سوسیالیستی که د رآن برابری کامل حقوق برای زنان تضمین شد ه است برای زنانی که د ر جهان سرمایه د اری مبارزه میکنند حائز اهمیت شایان است .

## جبهه ی وسیع کلیه ی نیروهای د موکراتیك

تشد ید واقعی تضاد های اجتماعی د رجهان سرمایه د اری موجب آن شد ه که د رکشورهای چند ی امکانات تازه ای برای اتحاد ضد انحصاری وضد امپریالیستی میان جنبش کارگری انقلابی و قشرهای وسیعی ازافراد مذ هبی پد ید آمد ه است . کلیسای کاتولیك و سایرسازمانهای مذ هبی بابحرانی اید ئولوژیك روبرو هستند که نظریات و ساختهای کهن رامورد تهد ید قرارمید هد . د ربرخی ازکشورها همکاری و وحد ت عمل بین کمونیستها و توده های وسیع معتقد بمذ هب کاتولیك و مذ اهب د یگر بسط میابد . مباحثه بین آنان د رباره ی مسائلی ازقبیل جنگ و صلح، سرمایه د اری و سوسیالیسم ، استعمارنوین وکشورهای د رحال رشد ، وحد ت عمل آنان علیه امپریالیسم و برای د موکراسی و سوسیالیسم بصورت مسائل حاد مبرم د رآمد ه است . کمونیستها ایمان د ارند که افراد مذ هبی میتوانند د رپرتو این برخورد های وسیع واقد امات مشترك د رمبارزه ی ضد امپریالیستی و برای تحولات بزرگ اجتماعی بصورت نیروئی فعال د رآیند .

بتد ریج که وحد ت عمل ضد انحصاری و ضد امپریالیستی بسط میابد شرایط مساعد ی بمنظور تجمع تمام جریانهای د موکراتیك بشکل اتحاد سیاسی ای آماد ه میشود که قاد ر باشد بطور قاطع نقش انحصارهارا در حیات اجتماعی کشور محد ود سازد ، به حکومت سرمایه ی بزرگ پایان بخشد ، رژیمی مستقر نماید که تحولات سیاسی واقتصاد ی بنیاد ی راتحقق بخشد و بد ان وسیله مساعد ترین شرایط را برای تعقیب مبارزه د رراه سوسیالیسم فراهم آورد . طبقه ی کارگر نیروی عمد ه ی این اتحاد د موکراتیك است . بوسیله ی اقد امات جمعی نیرومند طبقه ی کارگر و وسیعترین قشرهای مردم ، که باشکال گوناگون تجلی میکند ، بیش ازهمه میتوان به هد فهای مزبور نائل گرد ید . کمونیستها ، د رعین استفاد ه ازکلیه ی امکاناتی که فعالیت پارلمانی د رشرایط مشخص بد ست مید هد ، خاطرنشان میسازند که آنچه د ر پیروزی د موکراسی و سوسیالیسم نقش تعیین کنند ه د ارد عبارتست از مبارزه ی جمعی طبقه ی کارگر و تمام زحمتکشان .

## جنبش رهائی بخش ملی وارد مرحله ی نوینی شده است

فروریختن سیستم مستعمراتی مواضع امپریالیسم را بنحو شایانی تضعیف نموده است. در جریان ده سال اخیر نقش جنبش ضد امپریالیستی خلقهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین در پروسه انقلابی جهانی بازهم افزایش یافته است. علاوه بر آن جنبش مزبور در برخی از کشورها مضمونی ضد سرمایه‌داری پیدا میکند.

در بسیاری از کشورهای آسیا و افریقا، جنبش رهائی بخش ملی وارد مرحله ی نوینی گردیده است. در این منطقه تعداد بزرگی از دولتهای ملی بوجود آمده اند، امری که خود تغییرات فاحشی در چهره ی سیاسی جهان پدید آورده و به تغییر تناسب نیروها بزیان امپریالیسم کمک نموده است. تقریبا همه ی امپراطوریهای مستعمراتی جارو شده اند.

رهائی جنوب افریقا، یکی از آخرین مناطق تسلط استعماری، برای آینده ی افریقا و صلح دارای اهمیت بزرگی است. پیکار مسلحانه ای که در این منطقه از جانب خلقهای آنگولا، موزامبیک، گینه بی سو، زیمباب وه، نامی بی و افریقای جنوبی انجام میشود، به اتحاد یه ی رژیم های فاشیستی و نژاد پرست مورد پشتیبانی امپریالیستها ضربات جدی وارد میکند و در برابر انقلاب افریقائی دورنمای پیروزیهای نوین مهمتری را میگشاید.

جنبش رهائی بخش عرب نقش ارزنده ای در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی ایفا میکند. جنبش مزبور برروی تمام جنبش های ضد امپریالیستی و ضد استعمار نوین در خاور میانه و افریقا تاثیر مثبتی اعمال میکند. مبارزه ی خلقهای عرب علیه امپریالیسم و علیه تجاوز اسرائیل جزء لاینفک مبارزه ی عمومی است که میان نیروهای آزادی و سوسیالیسم در سراسر جهان از یکسو و امپریالیسم بین المللی از سوی دیگر در گیر است.

اوج نهضت رهائی بخش ملی و ترقی اجتماعی خاورمیانه که دارای اهمیت سوق الجیشی و سرشار از منابع نفت است، کینه ی شدید امپریالیستها و انحصارهای نفتی را برانگیخته است. از اینروست که از تحریکات توطئه علیه این جنبش فروگذار نمیکنند و جنگها و اقدامات تجاوزکارانه را برمیانگیزند.

برای اینکه این اقدامات باناکامی روبرو شود، توطئه ها عقیم ماند و کلیه ی دستاوردهای جنبش عربی از دستبرد ایمن بماند از جمله انجام تحولات اجتماعی و اقتصادی بیش از پیش عمیقتر، تشکیل جبهه های ملی ترقیخواه، تامین آزادیهای دموکراتیک توده های مردم و نیروهای ملی ترقیخواه حائز اهمیت درجه اول است.

در کشورهای نوا ستقلال قشربندی اجتماعی در حال انجام است. بین طبقه ی کارگر، دهقانان، و سایر نیروهای دموکراتیک و از انجمله قشرهای خرده بورژوازی مبهن پرست از یکسو و امپریالیسم و نیروهای ارتجاع داخلی، و از انجمله عناصری از بورژوازی ملی که تبانی آن با امپریالیسم بیش از پیش بسط یافته است، از سوی دیگر اختلاف تشدید میشود.

در برخی از این کشورها نقش اجتماعی و فعالیت سیاسی طبقه ی کارگر افزایش یافته است. مناسبات بین المللی که بین پرولتاریای جوان کشورهای آسیائی و افریقائی و طبقه ی کارگر کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری بوجود میآید بیش از پیش اهمیت بزرگتری کسب میکند.

قشرهای زحمتکش دهقانی دارای امکانات انقلابی بزرگی هستند. اینان در مبارزه علیه امپریالیسم برای رهائی ملی خلقها و تحکیم استقلال کشورهای جوان فعالانه شرکت میکنند. کمونیستها فعالیت خود را بین توده های دهقانی گسترش میدهند و ایدئولوژی پرولتاری را بمیان آنان میبرند.

در غالب کشورهای مستقل آسیا و افریقا بموازات وظایفی کهبا تحکیم و دفاع از حاکمیت و استقلال

سیاسی ملازمه دارند ، ازمیان برداشتن عقب افتادگی اقتصادی ، ایجاد یك اقتصاد ملی وازجمله تأسیس یك صنعت مستقل ، اعتلاء سطح زندگی توده های مردم بصورت مسائل گرهی رشد اجتماعی درآمده اند . حل این مسائل مستلزم آنست که تحولات عمیق اجتماعی واقتصادی انجام شود ، اصلاحات ارضی دموکراتیك بسود دهقانان زحمتکش و باشرکت دادن خود آنها بوقوع پیوندد ، مناسبات فرتوت فئودالی وماقبل فئودالی الغاء گردد ، به تسلط انحصارهای خارجی پایان داده شود ، حیات اجتماعی و سیاسی در ستگاه دولتی از پیخ و بن دموکراتیزه شود ، فرهنگ ملی و سنت های مترقی آن تکامل یابد ، احزاب انقلابی وحکیم شوند و درآنجاکه چنین احزابی وجود ندارد تشکیل گردند . این مسائل که اینك درنتیجه ی رشد اجتماعی دولتهای مزبور طرح میشود نه تنها زمینه ی مبارزه ی شدیدی بین نواستعماریان و مردم این کشورهاست ، بلکه درعین حال موجد اختلافات اجتماعی در درون این کشورهاست . استقرارمناسبات دوستانه وهمکاری واقعی باکشورهای سوسیالیستی برای دولتهای مستقل آسیاوافریقا حائزاهمیت بسزائی است .

## اشکال ویژه ی رشد

تحت تأثیرشرایط انقلابی دوران مادرکشورهای آزاد شده اشکال ویژه ای ازرشد مترقی بوجود آمده است . نقش نیروهای انقلابی ودموکراتیك افزایش یافته است . برخی ازدولتهای جوان براه غیر سرمایه داری روی آورده اند ، راهی که پایان دادن بعقب ماندگی دیرینه و گذشته ی استعماری را امکان پذیرمیسازد وشرایط لازم رابرای انتقال بجاده ی تکامل سوسیالیستی فراهم میآورد . باوجود دشواریها ، علی رغم اشکالات جدی سمت گیری سوسیالیستی ، راه خود را دراین کشورها طی میکند . دولتهای مزبور مبارزه ی جانانه ای راعلیه امپریالیسم و استعمارنو دنبال میکنند .

کشورهائی که راه سرمایه داری درپیش گرفته اند توفیق نیافته اند حتی یکی ازمسائل مطروحه در برابرخود راحل نمایند . ارتجاع داخلی که مواجه بانارضائی روزافزون مردم است به تجاوز خود نسبت به آزادیهای دموکراتیك میافزاید و در برخی موارد بی رحمانه جنبش دموکراتیك و میهن پرستانه ی توده ها را سرکوب میکند ، اختلافات ملی ، نژادی ، مذهبی ، عشیره ای یازبانی راد امن میزند و بدینطریق استقلالی راکه کشورهای مزبور بدست آورده اند بخطرمیاندازد .

امپریالیسم نسبت بکشورهائی که برای خود رژیمی مترقی برگزیده اند خصومت خاصی ابرازمیدارد برای اینکه کشورهای مزبور را ازراهی که انتخاب کرده اند منحرف سازد میکوشد تا احزاب سیاسی این کشورها رامتلاشی کند ، موسسات فرهنگی و پرورشی و وسائل بزرگ خبرگزاری آنان راتحت انقیاد خود درآورد ، فعالیت ضد انقلابی عمال خود رابسط میدهد و ازعناصرارتجاعی دستگاه دولتی و نیروهای مسلح حمایت میکند . امپریالیسم میکوشد خرافات ضد کمونیستی رامورد استفاده قرارداده تا میان میهن پرستان تفرقه ایجاد نماید .

راه حل وظایف مربوط به رشد ملی و ترقی اجتماعی و مقابله ی موثر در برابرنیرنگهای نواستعماری بسیج توده های مردم ، افزایش نقش پرولتاریا و دهقانان ، اتحاد جوانان زحمتکش ، دانشجویان و روشنفکران ، قشرهای متوسط شهرها ، محافل دموکراتیك ارتش و تمام نیروهای ترقیخواه و میهن پرست ، احزاب کمونیستی وکارگری در راه ایجاد چنین اتحادی مرکب ازکلیه ی نیروهای ترقیخواه و میهن پرست ، فعالیت میکنند .

کمونیستها برای آزادی ، استقلال ملی و آینده ی سوسیالیستی خلق خود مبارزه میکنند . کمونیستها حامل اندیشه های سوسیالیسم علمی ، رزمندگان پیشاهنگ جنبش رهائی ملی هستند . منافع این جنبش مصالح ترقی خلقهای تازه ازبند رسته ، همکاری میان احزاب کمونیستی و سایرنیروهای میهن پرست و

پیشرو را ایجاب میکند. هرگونه خصومت نسبت به کمونیسم ، هراعمال فشارنسبت به کمونیستها بمبارزه ی رهائی بخش ملی واجتماعی خلقها لطمه میزند.

در امریکای لاتین اکثرکشورها حاکمیت ملی خویش را در اول قرن گذشته بدست آورده اند. این کشورها در مجموع خود بسطح نسبتا بالائی از توسعه ی سرمایه داری رسیده اند. در این کشورها پرولتاریائی کثیرا امد در چه در شهر و چه در روستا پدید شده است ، بزرگ میشود و در مبارزه آبدیده میگردد. احزاب کمونیست عملا در تمام این کشورها فعالیت میکنند. خلقهای امریکای لاتین علیه ستمگری واحد و استثمارگری مشترک یعنی امپریالیسم ایالات متحده مبارزه میکنند که تمام این قاره را از لحاظ سوق الجیشی بمثابه پشت جبهه ی خود تلقی میکند و آنرا بحالت وابستگی درآورده است. برخی از این کشورها هنوز علیه تسلط استعماری مبارزه میکنند. مبارزه برای حاکمیت ملی واقعی و استقلال اقتصادی با مبارزه ی طبقاتی شدیدی علیه استثمار سرمایه داری و پیش ازهمه علیه انحصارات خارجی و محلی و مالکین بزرگ زمین، درآمیخته است. در بسیاری از کشورهای مزبور هنوز بقایای فئودالی وجود دارد و توده ی بزرگی از دهقانان بی زمین دیده میشود. مبارزه برای تحقق خواستهای دموکراتیک ، علیه دیکتاتوریهای استبدادی، که در رشد تاریخی قاره ی مزبور عاملی عمیقا منفی است ، توسعه مییابد.

انقلاب کوبا ، باد رهم شکستن زنجیرهای ستم امپریالیستی در امریکای لاتین و با تاسیس نخستین دولت سوسیالیستی قاره ی امریکا ، نقطه ی چرخش تاریخی را تشکیل میدهد که مرحله ی جدیدی از جنبش انقلابی را در این منطقه آغاز میکند. در این منطقه ی جهان جنبش های بزرگ دموکراتیک و ضد امپریالیستی و پروسه هائی انقلابی در حال نمو است که راه را برای سوسیالیسم خواهد گشود.

پرولتاریا و احزاب کمونیست و کارگری نقش بیش از پیش با اهمیتی را در جنبش ضد امپریالیستی امریکای لاتین ایفا میکند و در آنجا وجود وفعالیت طبقه ی کارگر خود عامل مساعد تاریخی و تضمینی برای توسعه ی نهضت است. مبارزه ی توده های وسیع برای تحقق خواستهای اقتصادی وسیاسی خود و نیز برای هدفهای انقلابی آنها شکلهای گوناگونی بخود گرفته است. جنبش توده ای در امریکای لاتین در جریان مبارزه ی شدیدی علیه تجاوز طلبی امپریالیسم و ارتجاع داخلی قوام میگیرد. در برخی از این کشورها جنبش مزبور دست بمبارزه ی مسلحانه زده است. در آتش نبرد به پیکارجوئی طبقه ی کارگر افزوده میشود ، آگاهی دهقانان ارتقا می یابد و توده های روستائی بسیج میشوند. بدینطریق پایه های اتحاد بین کارگران و دهقانان ریخته میشود.

توده های وسیع مردم ، دانشجویان، روشنفکران ترقیخواه ، بخشهای متعددی از قشرهای متوسط ساکنین شهرها با پرولتاریا متحد میشوند. اقدامات مشترک واتحاد های ضد امپریالیستی بیش از پیش نیرو میگیرند. اعتلاء مبارزه ی توده های بزرگ علیه استثمار و فقر، علیه یوغ امپریالیستی منجر بدان میشود که بخش پیشروی از قشرهای مذهبی نیز با تمایلات ترقیخواهانه ی آنان هم آوا میشوند. در برخی ازاین کشورها اگرایشهای مهین پرستانه و دموکراتیک میان نیروهای مسلح پیشرفت میکند.

تحکیم اتحاد نیروهای سیستم جهانی سوسیالیسم و جنبش کارگری و نهضت رهائی ملی از لحاظ دورنمای مبارزه ی ضد امپریالیستی حائز اهمیت درجه ی اول است.

# ۳

## تد ابیرواقد امات مشخص علیه امپریالیسم

وضع اجتماعی و سیاسی کنونی جهان امکان میدهد مبارزه علیه امپریالیسم بسطح نوینی ارتقاء یابد. باتشدید تعرض علیه امپریالیسم میتوان به تفوق قاطع بر روی دست یافت و سیاست تجاوز و جنگ اورا باشکست رو برو ساخت. این امرمستلزم تد ابیرواقد امات مشخص و عملی در همه ی قاره ها ست تا بتوان برای نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه و تمام علاقمندان به حل مسائل خطیری که جامعه ی بشری را به هیجان میآورد مانند مسئله ی صلح وامنیت خلقها دورنمائی روشن بوجود آورد.

احزاب کمونیست و کارگری شرکت کننده درکنفرانس باآگاهی نسبت به مسئولیت تاریخی خویش به همه ی کمونیستهای جهان، همه ی مخالفان امپریالیسم و همه ی کسانی که آماده ی مبارزه در راه صلح و دموکراسی و ترقی هستند، خطاب کرده و آنهارابه وحدت عمل فرامیخوانند.

۱) نخستین هدف وحدت عمل عبارتست از پشتیبانی همه جانبه ازخلق قهرمان ویتنام. کنفرانس همه ی کسانی راکه امرصلح واستقلال در نزد شان عزیز است، دعوت میکند مبارزه رابرای واداشتن امپریالیسم امریکابخارج کردن نیروهای نظامی مداخله گران ازویتنام، قطع مداخله درامور داخلی این کشوراحترام به حق خلق ویتنام برای حل مستقلانه ی مسائل خود، تشدید کنند. پیروزی نهائی میهن پرستان ویتنام برای تحکیم مواضع در پیکارعلیه سیاست امپریالیستی تحمیل خود سری دارای اهمیت اصولی است. بمنظور نزدیک ساختن این پیروزی اقدامات متوافق کلیه ی کشورهای سیستم سوسیالیستی، مساعی مشترک کلیه ی احزاب کمونیست و کارگری و همه ی احزاب مترقی و سازمانهای دموکراتیک توده ای و نیز تمام نیروهای آزادیخواه و صلحدوست ضرورت دارد. کنفرانس تشکیل دولت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی را تهنیت میگوید واین واقعه رامرحله ی مهمی درنبرد قهرمانانه ی رهائیبخش خلق ویتنام میشمارد. کنفرانس دعوت میکند که برای تامین موفقیت مذاکرات پاریس که کاملا براساس ده ماده ی پیشنهادی جبهه ی ملی آزادی ویتنام جنوبی امکان پذیراست، مبارزه شود.

۲) مبارزه علیه خطرجنگ، خطرجنگ جهانی هسته ای که مانند گذشته خلق هارابه کشتار جمعی تهدید میکند یعنی مبارزه در راه صلح جهانی کماکان حلقه ی اساسی وحدت عمل نیروهای ضد امپریالیسم راتشکیل میدهد. باسماعی متحد کشورهای سوسیالیستی و طبقه ی کارگرجهانی و جنبش آزادیبخش ملی و کلیه ی کشورهاوسازمانهای اجتماعی و جنبش های توده ای صلحدوست میتوان از بروز جنگ جهانی جلوگیری بعمل آورد.

۳) دفاع از صلح بامبارزه در راه تحمیل همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای نظامهای مختلف اجتماعی برامپریالیسم پیوند ناگسستنی دارد. همزیستی مسالمت آمیز خواستارمراعات اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، تمامیت ارضی هرکشور، اعم ازخرد وکلان، عدم مداخله دراموراخلی سایرکشورها، احتراماً به حق کلیه ی خلقها بانتخاب آزادانه ی نظام اجتماعی و اقتصادی وسیاسی خود وحل وفصل مسائل بین المللی ازمجاری سیاسی وازطریق مذاکرات است.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز برای حل معضلات اقتصادی و اجتماعی کشورهای درحال رشد

شرایط مساعد فراهم میآورد.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز باحق خلقهای ستمدیده برای استفاده از راه مبارزه ای که برای رهائی خود ضرورمیشمرند (اعم ازمسلح و غیرمسلح) تباین ندارد و بهیچوجه بمعنای پشتیبانی از رژیمهای ارتجاعی نیست. این نیز مسلم است که هرخلقی حق دارد در قبال تعدی متجاوزان امپریالیستی بدفاع مسلحانه بپردازد و در این کار عادلانه از پشتیبانی خلقهای دیگر برخوردار گردد. این امر جزء لاینفک مبارزه ی عمومی ضد امپریالیستی خلقهاست.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز ازتلاشهای امپریالیسم برای غلبه برتضادهای درونی خود از راه تشدید وخامت اوضاع بین المللی و برافروختن کانونهای خطرجنگ ممانعت بعمل میآورد. سیاست همزیستی مسالمت آمیزبمعنای حفظ وضع موجود اجتماعی و سیاسی یاتضعیف مبارزه ی ایدئولوژیک نیست و بهبسط مبارزه ی طبقاتی علیه امپریالیسم در مقیاس ملی و جهانی کمک میکند. حق مسلم و وظیفه ی مبرم توده های زحمتکش و احزاب کمونیستی درکشورهای سرمایه داری است که برای براندا ختن انحصارها و قدرت آنها واستقرار نظام واقعاً دموکراتیک و برپا داشتن حاکمیت سوسیالیستی از هرراهی که بایدن هدف برسد، بمبارزه ی طبقاتی قاطع دست زنند. کمونیستهای سراسرجهان نسبت باین نبردهای عادلانه ابرهمبستگی میکنند.

مبارزه ی توده هاعلیه امپریالیسم یکی ازشرایط تحقق سیاست همزیستی مسالمت آمیز است. این سیاست که علیه جنگ افروزان و مرتجعان و صاحبان انحصارطلب صنایع اسلحه سازی متوجه است بامنافع عمومی مبارزه ی انقلابی علیه تمام اشکال ستم واستثمارتوافق دارد و به تحکیم دوستی بین خلقها و بسط همکاری ثمربخش اقتصادی، علمی و فنی و غیره میان کشورهای پیرو نظام های مختلف اجتماعی، بسود ترقی اجتماعی کمک میکند.

کمونیستها وظیفه ی خود میشمارند علیه سیاست تشدید وخامت بین المللی که محافل امپریالیستی بدان دست میزنند، و نیز علیه کلیه ی مساعی این محافل در راه بازگشت به دوران بی جنگ سرد مبارزه کنند. کمونیستها طرفدار کاهش وخامت بین المللی میباشند و آنرا یکی ازمهمترین و حادترین خواستهای خلقها میشمارند.

٤) برای حفظ صلح فوری ترین عمل عبارتست از جلوگیری ازاشاعه ی سلاح هسته ای و عملی ساختن قرارداد عدم پخش آن. احزاب کمونیست که طرفدار ترتیب قرارداد هستند انراحلقه ای در زنجیره ی اقداماتی میشمارند که باید بخلع سلاح هسته ای و امحاء خاک آن بیانجامد. درعین حال باید کوشید تا سلاح هسته ای غیرقانونی اعلام شود وتولید وآزمایش آن قطع گردد.

برای سالم کردن فضای جهانی وتحکیم اعتماد میان دولتها، ایجاد منطقه ی فارغ از سلاح هسته ای درنواحی گوناگون جهان دارای اهمیت عملی بزرگی است. کوشش عمده باید درراه منع سلاح هسته ای مصروف گردد و ازانرژی هسته ای باید صرفاً برای مقاصد صلح آمیز استفاده شود.

مبارزه برای منع مؤثر سلاح های میکربی و شیمیائی که سپاهیان امریکا درمقیاس وسیعی در ویتنام آنها رابکار برده اند، باید تشدید شود.

## الغاء پیمانهای نظامی

منافع اساسی خلقها ایجاب میکند که مبارزه علیه میلیتاریسم درهمه ی اشکال آن بویژه علیه کمپلکس جنگی ـ صنعتی ایالات متحده ی امریکا و دیگرکشورهای امپریالیستی تشدید شود. ماهمه ی نیروهای صلحدوست رابه گسترش بیشتر برای تقلیل جدی بودجه های نظامی و خلع سلاح کامل و همگانی درزیر

نظارت بین المللی موثر فرا میخوانیم تا وجوهی که اکنون در نتیجه ی مسابقه ی تسلیحاتی بلعیده میشود ، در راه بهبود زندگی زحمتکشان ، بسط بهداشت و فرهنگ و کمک بکشورهای رشد یابنده مصرف شود.

در عرصه ی دفاع از صلح ، علاوه بروظایفی که دارای خصلت عام است ، از لحاظ امنیت قاره ها و مناطق جغرافیائی جداگانه نیز وظایف بسیار مهم دیگری وجود دارد که دارای خصلت خاص یا منطقه ای است. حل این وظایف که کاملا بیکدیگر مربوط هستند با منافع و مساعی همه ی کمونیستها و نیروهای ضد امپریالیستی و کلیه ی خلقهای جهان توافق دارد.

مصالح صلح عمومی ایجاب میکند که پیمانهای نظامی لغو شوند. احزاب کمونیست و کارگری همیشه برآن بوده اند و اینک نیز برآنند که وجود پیمانها و پایگاههای نظامی در اراضی کشورهای دیگر کـــه نیروهای امپریالیستی آنرا تحمیل کرده اند ، سد راه همکاری میان کشورهاست. ضامن واقعی امنیت و یکی از شرایط پیشرفت هر کشور اروپائی استقرار سیستم شمر بخش امنیت بر پایه ی مناسبات برابر و احترام متقابل بین همه کشورهای این قاره و مساعی مشترک کلیه ی ملل اروپائی است. کشورهای سوسیالیستی بر همین اساس بارها ی انحلال همزمان ناتو و پیمان ورشو اظهار نظر کرده اند.

کنفرانس تلاش فتنه انگیزانه ی کشورهای امپریالیستی و بیش از همه ایالات متحده ی امریکا و جمهوری فدراتیو آلمان و بریتانیای کبیر را در جهت تشدید فعالیت ناتو با قاطعیت محکوم میکند. بویژه الغاء این پیمان است که میتواند گام قاطع در راه الغاء کلیه ی پیمانهای نظامی و انحلال کلیـــــه ی پایگاههای خارجی در اراضی دیگر و ایجاد سیستم مطمئنی برای امنیت جمعی باشد. خلقها بخاطـــر مصالح صلح از کشورهای امپریالیستی می طلبند که به پرواز بمب افکنهای حامل سلاح هسته ای بر فـــراز خاک سایر کشورها خاتمه دهند ، راه را بر کشتی ها و زیر دریائیهای حامل سلاح اتمی به بندرهای کشورهای دیگر ببندند و از کلیه ی اقدامات قهرآمیز و تهدید بکاربردن قوه ی قهریه خودداری کنند.

## مرزهای اروپا نقض ناپذیراست

هم و غم خلقهای اروپا بیش از هرچیز متوجه حفظ امنیت پایدار در این قاره است. در جلسات مشاوره ی کشورهای عضو پیمان ورشو که در سال ۱۹۶۶ در بوخارست و در سال ۱۹۶۹ در بوداپست تشکیل شد و نیز در کنفرانس کارلووی واری در سال ۱۹۶۷ برنامه ی مشخص عمل و تدابیر لازم برای ایجاد سیستم امنیت در اروپا طرح ریزی شد.

برای نقض ناپذیری مرزهای کنونی اروپا و بویژه مرز ادر ـ نیس و مرزهای جمهوری فدراتیو آلمان و جمهوری دمکراتیک آلمان ، برای برسمیت شناختن جمهوری دمکراتیک آلمان ، از نظر حقوقی بین المللی برای جلوگیری از هرنوع دست یازی آلمان غربی به سلاح اتمی ، امتناع جمهوری فدراتیو آلمان از ادعای نمایندگی تمام آلمان ، شناسائی برلن غربی بمثابه واحد سیاسی خاص ، اعلام بطلان قرارداد تحمیلی مونیخ از همان آغاز و سرانجام برای منع کلیه ی سازمانهای نئونازیست باید مبارزه انجام گیرد. صلـــح و امنیت اروپا ایجاب میکند که نیروهای تلافیجو در آلمان غربی مهار شوند ، برای خلقهای اروپا این حق مسلم تامین شود که دون مداخله ی ایالات متحده ی امریکا صاحب اختیار قاره ی خود باشند ، همکـــاری اقتصادی و علمی و فنی کشورهای اروپا بر پایه ی منافع متقابل آنها تامین شود و روابط میان ایـــن کشورها بر کاهش واقعی وخامت بین المللی و بر اعتماد متقابل استوار گردد.

اصل مصونیت کشورهای بیطرف بطور مسلم باید رعایت شود. اگر کشورهای بیطرف برای کاستن از وخامت اوضاع بین المللی و تامین صلح از تمام امکانات استفاده کنند ، در تحقق سیاست همزیستـــی مسالمت آمیز سهمی بزرگ خواهند داشت.

د رتمام این جهات باید کوشش فراوان بعمل آید. به مسئله ی امنیت اروپا باید باروح ابتکار نزد یك شد ید رراه اقد امات مشخص و عملی کوشش بعمل آورد.

برگزاری کنگره ی وسیع خلقهای اروپا نخستین اقد امی است که برای تا ٔمین صلح ضرورت د ا ر د. این اقد ام کاررا برای د عوت جلسه ی مشاوره ی کشورهای سراسر اروپا آماد ه و تسهیل خواهد کرد.

## همبستگی د ائمی و فعال

۵) کنفرانس ازمحافل اجتماعی جهان برای همبستگی د ائمی وفعال باخلقها وکشورهائی که آماج د ائمی د سائس تجاوزکارانه ی امپریالیسم هستند، یعنی برای همبستگی باجمهوری د مکراتیك آلمان و جمهوری د مکراتیك تود ه ای کره و تمام خلق کره د عوت بعمل میآورد. کنفرانس خواستار احیا ٔ حق قانونی جمهوری تود ه ای چین د رسازمان ملل متحد و بازگرد اند ن جزیره ی تایوان باین کشوراست. این جزیره اکنون بوسیله ی نیروهای نظامی ایالات متحد ه ی امریکا اشغال شد ه است. د فاع از جمهوری کوبا وظیفهٔ کمونیستها و تمام نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست امریکای لاتین و سراسرجهان است.

ماکمونیستها برای وحد ت عمل علیه تمام اقد امات تجاوزکارانه ی امپریالیسم، علیه برافروختن جنگهای موضعی بوسیله ی امپریالیسم و استفاد ه ازاشکال د یگرد اخله ی نظامی د رهرنقطه ی جهان د عوت بعمل میآوریم. ما د ربرابر اد امه ی سیاست تجاوزکارانه ی امپریالیسم و زماد اران اسرائیل، همبستگی خود رابا خلقهای عرب که خواستار بازگرد اند ن اراضی اشغال شد ه بوسیله ی تجاوزکاران هستند اعلام مید اریم. بازگرد اند ن اراضی اشغالی شرط مبرم و حتمی برقراری صلح د رخاورنزد یك و حل مسئله بر پایه ی اجرای کامل موادی است که د ر قرارماه نوامبر (۱۹۶۷) شورای امنیت ذکرشد ه است.

۶) کمونیستها همبستگی خود رابا مبارزه ی خلقهای آسیا، افریقا وامریکای لاتین تا ٔکید میکنند.

این مبارزه بخاطراستقلال وحاکمیت ملی، رهائی ازهرگونه تسلط اقتصاد ی و سیاسی محافل امپریالیستی وانحصارات، خروج ازسیستم اتحاد یه ها و پیمانهای نظامی که بوسیله ی د ول امپریالیستی تحمیل شد ه علیه گرایشهای امپریالیستی د رجهت تشد ید مسابقه ی تسلیحاتی د راین قاره ها و حفظ و ایجاد کانونهای وحدت اوضاع بین المللی و همچنین بخاطر امحا ٔ پایگاههای نظامی خارجی و برقراری مناسبات که به رشد آزاد انه ی این ملل کمك نماید، انجام میگیرد.

پاك کرد ن سیاره ی ما ازننگ استعمار، امحا ٔ آخرین کانونهای استعماروجلوگیری ازاحیا ٔ اشکال استتارشد ه ی آن ــ چنین است خواست د وران ما.

ما از تمام کسانی که حسن نیت د ارند وازهمه ی هواخواهان د موکراسی د عوت میکنیم تا برای براند اختن بقایای استعمار و مبارزه علیه استعمارنو متحد اعمل نمایند. ما طرفد اراقد امات بین المللی قاطع برای پشتیبانی از میهن پرستان آنگولا، موزامبیك، گینه ــ بیسو، زیمبابوه، نامیبی وافریقای جنوبی و پشتیبانی از همه ی خلقهای ستمکش هستیم.

یکی ازمهمترین معضلات د وران معاصر که احزاب کمونیستی و کارگری توجه محافل اجتماعی را بد ان جلب مینمایند و خود د رراه حل آن باتمام نیرو مبارزه میکنند عبارتست از براند اختن عقب ماند گی تعد اد کثیری ازکشورها و مجموعه ی کاملی از قاره ها. این عقب ماند گی مولود تسلط طولانی استعمار و امپریالیسم است. وظیفه ی اساسی این کشورها د رزمان حاضر عبارتست از تا ٔمین رشد اقتصاد ی واجتماع

و سیاسی که فقط در صورت احراز استقلال واقعی در قبال امپریالیسم و نیز در اثر تحولات عمیق دموکراتیک و انقلابی میتوان به آن دست یافت. برای حل این مسئله باید تمام نیروهای ترقیخواه این کشورها را بسیج کرد و متحد ساخت و روابط مبتنی بر نفع متقابل میان این کشورها و نیز میان آنها و کشورهای سوسیالیستی را گسترش داد.

## مبارزه علیه فاشیسم و نژادپرستی را تشدید کنیم

۷) ما بر آنیم که مبارزه علیه خطر فاشیسم را باید تشدید کرد و تعرضات فاشیستی را بیرحمانه سرکوب نمود. فاشیسم هنگامی بر شدت فعالیت خود می افزاید که بحران امپریالیسم حدت یافته و به تلاش ارتجاع برای بکار بردن شیوه های خشونت آمیز سرکوب نیروهای دموکراتیک و انقلابی افزوده شده باشد. در یونان نئوفاشیسم زمام حکومت را بدست گرفته است. در اسپانیا "افراطیون" در تلاش از سرگرفتن شیوه های فاشیستی اعمال فشار هستند و برای جلوگیری از جنبش پرتوان توده ای مساعی عمده بکار میبرند. در پرتغال که فاشیسم زیر ضربات جنبش روزافزون مردم دستخوش بحران شده میکوشد سیاست تروریستی خود را که عملا هنوز هم ادامه دارد، بکمک عوامفریبی درباره ی لیبرالیزاسیون پرده پوشی کند. در آلمان غربی نئونازیسم اداعاهای خود را درباره ی زمامداری آشکارا اعلام کرده است. در سایر کشورها نیز نیروهای نئوفاشیست برشدت فعالیت خود می افزایند. نئوفاشیسم با فعالیت دستگاههای جاسوسی امپریالیسم، سازمانگرکودتاهای ارتجاعی، درآمیخته است.

تمام مظاهر فاشیسم با مقاومت روزافزون توده های مردم روبروست. برای آنکه این مقاومت با موفقیت انجام گیرد، وحدت عمل تمام نیروهای ضد فاشیست و نیز پشتیبانی تمام احزاب کمونیست و کارگری و جنبشهای دموکراتیک و ترقیخواه کلیه ی کشورها ضروریست.

مبارزه علیه رژیمهای فاشیستی بخش مهم مبارزه ای را تشکیل میدهد که علیه امپریالیسم و بخاطر آزادیهای دموکراتیک انجام میگیرد. وظیفه ی مشترک همه ی کمونیستها و تمام هواداران آزادی صرفنظر از مواضع سیاسی، جهان بینی و معتقدات مذهبی آنان اینست که به پشتیبانی واقعی خود از نیروهای ترقیخواه ملی که علیه کانون های ارتجاع و فاشیستی مانند دولتهای اسپانیا و پرتغال، گروه ارتجاعی سرهنگان در یونان، در اردوسته های نظامی الیگارشی در امریکای لاتین و علیه تمام رژیمهای استبدادی خادم امپریالیسم ایالات متحده ی امریکا مبارزه میکنند، بیفزایند.

۸) ما کمونیستها بار دیگر از همه ی انسانهای شرافتمند جهان دعوت میکنیم که مساعی خود را در مبارزه با ایدئولوژی و پراتیک ضد انسانی نژادپرستی متحد سازند. ما معتقدیم که علیه ننگین ترین پدیده ی دوران معاصر یعنی پیگرد وحشیانه ی ۲۵ میلیون سیاهپوست در ایالات متحده ی امریکا، علیه ترور نژادی در افریقای جنوبی و رودزیا، علیه پیگرد اعراب در مناطق اشغالی و در اسرائیل، علیه تبعیض نژادی و ملی، صهیونیست و روش ضد یهود که توسط نیروهای ارتجاعی سرمایه داری دامن زده میشود و برای گمراه ساختن سیاسی توده ها مورد استفاده قرار میگیرد، مبارزه ی هرچه وسیعتری بعمل آید.

امپریالیسم از نژادپرستی برای ایجاد تفرقه میان خلقها و حفظ سیادت خود استفاده میکند. توده های وسیع مردم نژادپرستی را طرد میکنند و میتوانند بمبارزه ی فعال علیه آن جلب شوند. توده های وسیع مردم در جریان مبارزات خود خواهند فهمید که ریشه کن ساختن نژادپرستی با مبارزه علیه امپریالیسم و بنیاد ایدئولوژیک آن پیوند نزدیک دارد.

## همکاری تمام نیروهای ضد امپریالیست

۹) منافع مبارزه با امپریالیسم که در تلاش سرکوب آزادیهای اساسی مردم است ایجاب میکند که برای نیل به آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات و سازمانها و حفظ این آزادیها و نیز بخاطر برابری حقوق همه ی اتباع یك کشور و بخاطر دموکراتیزه کردن تمام جوانب زندگی اجتماعی مبارزه ی خستگی ناپذیر بعمل آید. باید علیه تمام تلاش های ارتجاع که ازجمله ازطریق وضع قوانین ضد ملی در صدد پایمال کردن حقوق وآزادیهای دموکراتیکی است که در جریان نبرد های شدید طبقاتی بدست آمده، بمقابله ی جدی پرداخت. برای نجات میهن پرستان و آزادیخواهان که خطر مرگ تهدید شان میکند، علیه بیدادگری دادگاهها نسبت بکمونیستها و سایر میهن پرستان باید هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس بین المللی مبارزه ی مستمر انجام گیرد. باید برای آزادی میهن پرستان و آزادیخواهانی که در زندانها رنج میکشند، مبارزه شود وازحق پناهندگی سیاسی دفاع بعمل آید.

ماکمونیستها مخالف تمام اشکال ستمگری برملل واقلیت های ملی هستیم و برآنیم که هرملت و یا گروه ملی باید فرهنگ و زبان خاص خود را تکامل بخشد. ما ازحق حاکمیت تمام ملل بطورجدی دفاع میکنیم.

ماکمونیستها معتقدیم که پایان دادن بسیاست تجاوز امپریالیسم، براندا ختن نهائی استعمار واستعمارنو، ریشه کن ساختن فاشیسم و ستم نژادی بدون مبارزه ی قاطع علیه تسلط سرمایه ی انحصاری و مبارزه بخاطر چنان مطالبات دموکراتیکی که تحقق آنها مواضع امپریالیسم را تضعیف کند وارکان حاکمیت آنرا زیرضربت قرار دهد، غیرممکن است. باچنین مبارزه ای شرایط مساعد برای تحقق هدف های غائی جنبش کارگری فراهم میآید.

اوضاع کنونی تقویت همبستگی پیکارجویانه ی ملل کشورهای سوسیالیستی، تمام واحد های جنبش کارگری جهانی و جنبش آزادی ملی را در مبارزه علیه امپریالیسم ایجاب میکند.

کمونیست ها اکنون افشاء بیشتر سیاست تبهکارانه ی امپریالیسم و بالابردن هشیاری محافل اجتماعی را نسبت به مقاصد و نقشه های تجاوزکارانه ی آن ازوظایف کاملا مبرم خود میدانند.

شرکت کنندگان در کنفرانس ازکلیه ی سازمانهای کارگران، دهقانان، کارمندان، جوانان، دانشجویان، روشنفکران، زنان، ازقشرها وگروههای مختلف اجتماعی دارای اعتقادات سیاسی، فلسفی و مذهبی گوناگون، ازرجال سیاسی واقع بین کشورهای سرمایه داری، ازتمام احزاب دموکراتیك وازسازمان های اجتماعی ترقیخواه ملی و بین المللی دعوت میکنند که مساعی خود را با مساعی احزاب کمونیست برای اقدام مشترك در مبارزه علیه امپریالیسم و بخاطر کاستن ازوخامت اوضاع بین المللی و دفاع ازصلح متحد سازند. ما ازهمه ی آنها برای تبادل نظر وسیع و عملی درباره ی بسیاری ازمسائل مربوط به مبارزه ی ضد امپریالیستی دعوت بعمل میآوریم.

کمونیستها طرفدار دموکراتیك ترین شیوه های تدارك و تحقق وحدت عمل باتمام نیروهای ترقیخواه و میهن پرست و صلحدوست چه در چارچوب یك کشور و چه در مقیاس یك منطقه و یا سراسر جهان هستند. کمونیستها هرچه ازدستشان برآید، برای ایجاد تفاهم کامل میان جریانات و جنبشهای عدیده و متنوع ضد امپریالیستی انجام خواهند داد.

این کار در عین حال با درنظر گرفتن خصوصیات این جریانات و جنبش ها واحترام باستقلال آنها انجام خواهد گرفت. انتخاب داوطلبانه ی اشکال همکاری برپایه ی توافق مشترك امکان میدهد مبارزه علیه امپریالیسم را متناسب با مقتضیات شرایط کنونی، بسطح نوینی

ارتقاء داد.

## ٤

### وحدت احزاب کمونیستی وکارگری

شرکت کنندگان در کنفرانس براین عقیده اند که مهمترین شرط برای تقویت سهمی که احزاب کمونیستی وکارگری در حل مسائلی که در برابر خلقها قرار دارد، ادامه یکنند ارتقاء وحدت جنبش کمونیستی به سطح عالیتر، به سطح مطالبات کنونی است. نیل به این هدف کوشش دائمی وقاطعی را از همه ی احزاب میطلبد. همبستگی احزاب کمونیست و کارگری مهمترین عامل اتحاد همه ی نیروهای ضد امپریالیستی است.

شرکت کنندگان در کنفرانس بار دیگر توافق کامل خود را در این نکته تاکید میکنند که مناسبات بین احزاب برادر بر پایه ی اصل انترناسیونالیسم پرولتری، همبستگی وپشتیبانی متقابل، احترام به استقلال و برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر قرار دارد. مراعات اکید این اصول شرط ضروری توسعه همکاری رفیقانه بین احزاب برادر و تقویت وحدت جنبش کمونیستی است. اشکال همکاری بین احزاب برادر که از تجربه آزمایش گذشته، عبارتست از مشاورات دوجانبه، برخورد های منطقه ای و مشاورین بین المللی که بر پایه ی اصول مورد قبول جنبش کمونیستی انجام میگیرد. این اصول واشکال تمام شرایط لازم را برای وحدت مساعی احزاب کمونیستی وکارگری در مبارزه بخاطر هدفهای مشترک در دوران رشد متنوع پروسه ی انقلابی جهانی ایجاد میکند. تمام احزاب دارای حقوق برابرند. اکنون که جنبش جهانی کمونیستی دارای مرکز رهبری نیست اهمیت هماهنگ ساختن دو اطلاعات عمل احزاب بنفع حل موفقیت آمیز وظایفی که در برابر آنها قرار دارد، افزایش می یابد.

وحدت عمل احزاب کمونیستی وکارگری همبستگی جنبش کمونیستی را بر پایه ی اصول مارکسیسم - لنینیسم میطلبد. اقدامات همبستگی که در رجهت حل مبرم ترین وظائف عملی، که در برابر جنبش انقلابی و عمومی دموکراتیک کنونی قرار دارد، انجام میگیرد، زمینه ی مساعدی برای مبادله ی لازم تجارب بین بخشهای گوناگون جنبش کمونیستی فراهم میآورد و به غنای تئوری مارکسیستی - لنینیستی و تکامل خلاق آن، به تقویت مواضع انترناسیونالیستی وانقلابی در رسائل سیاسی مبرم کمک میکند.

شرکت کنندگان در کنفرانس این خواست همیشگی خویش را بار دیگر تاکید میکنند که حد اکثر مساعی خود را بنفع توده های زحمتکش و ترقی اجتماعی و برای پیروزی بر سرمایه ی بین المللی بکار برند. آنها اقدامات مشترکی را که برضد امپریالیسم و برای تحقق خواستهای عمومی دموکراتیک انجام میگیرد جزئی و مرحله ای از مبارزه در راه انقلاب سوسیالیستی و محو نظام استثمار فرد از فرد تلقی میکنند

### مسئولیت ملی و بین المللی هر حزب کمونیست

شرکت کنندگان در جلسه ی کنفرانس معتقدند که اثر بخشی سیاست هر حزب کمونیستی وابسته به موفقیتهای آن در کشور خود وموفقیتهای احزاب برادر، وابسته به سطح همکاری آنهاست. هر حزب کمونیستی برای فعالیت خود در برابر طبقه ی کارگر و خلق خود و در عین حال در برابر طبقه ی کارگر بین المللی مسئول است. مسئولیت ملی و بین المللی هر حزب کمونیستی و کارگری از هم جدائی ناپذیر است. مارکسیست - لنینیست ها هم میهن پرست و هم انترناسیونالیست اند. آنها هم تنگ نظری ملی و هم نفی وکم بها دادن به منافع ملی و هم تمایل به سیطره جوئی (هژمونیسم) را رد میکنند. احزاب کمونیستی

بعنوان احزاب طبقه ی کارگر و همه ی زحمتکشان در عین حال پرچمدار منافع واقعی ملی هستند ، بر عکس این طبقات ارتجاعی اند که خائن به این منافع اند . بزرگترین خدمتی که احزاب کمونیستی در کشورهای سرمایه داری به امر سوسیالیسم و انترناسیونالیسم پرولتری میکنند بقدرتر ساندن طبقه ی کارگر و متحدین اوست .

احزاب کمونیستی و کارگری در شرایط بسیار گوناگون و خاصی مبارزه میکنند که برخورد متناسب با این شرایط را برای حل مشخص وظائف آنها میطلبد . هر حزب سیاست خود را بر پایه ی اصول مارکسیسم ــ لنینیسم و در نظر گرفتن شرایط مشخص ملی کاملا مستقلانه تنظیم میکند . هر حزبی جهات ، اشکال و شیوه های مبارزه ی خود را تعیین میکند و وابسته به شرایط معین راه مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز گذار به سوسیالیسم و همچنین اشکال و شیوه های ساختمان سوسیالیسم را در کشور خود انتخاب مینماید . در عین حال تنوع شرایط فعالیت احزاب کمونیستی ، برخورد متفاوت آنها به وظائف عملی و حتی اختلاف نظر درباره ی این یا آن مسئله نباید مانعی در برابر عمل هماهنگ آنها در صحنه ی بین المللی ، بویژه در مسائل اساسی مبارزه ی ضد امپریالیستی باشد .

هر حزب کمونیستی هرقدر ریشه دار و نیرومند تر و فشرده تر باشد بهمان اندازه بهتر میتواند نقش خود را هم در داخل کشور و هم در جنبش جهانی کمونیستی ایفا کند .

## بر مشکلات غلبه خواهد شد

کمونیستها بروشنی می بینند که جنبش آنها که در جریان تکامل خود به پیروزیهای بزرگ تاریخی نائل آمده و در سالهای اخیر با مشکلات جدی برخورد کرده است . ولی آنها معتقدند که بر این مشکلات غلبه خواهند کرد . این اعتقاد بر این واقعیت مبتنی است که طبقه ی کارگر بین المللی دارای هدف ها و منافع مشترکی است و در فعالیت هر حزبی آنچنان راه حلی ، برای مسائلی که در برابر وی قرار دارد ، دیده میشود که با منافع ملی و بین المللی ، با رسالت انقلابی کمونیستها وفق میدهد . این اعتقاد بر اساس خواست کمونیستها به وحدت در مقیاس بین المللی استوار است .

احزاب کمونیستی و کارگری باردیگر تصمیم قاطع خود را ، علیرغم برخی نظریات متفاوت ، برای مبارزه در یک جبهه ی متحد برضد امپریالیسم اعلام میدارند .

برخی از تفاوت نظرهای موجود در جریان تبادل نظرها از بین خواهند رفت و یا بهمان اندازه که خود تکامل حوادث ماهیت مسائل مورد اختلاف را روشن میکند ، موضوعیت خود را از دست خواهند داد . برخی دیگر ممکن است مدت بیشتری ادامه یابد . کنفرانس معتقد است که مسائل مورد اختلاف در جریان تحکیم همکاری احزاب کمونیستی و کارگری به اشکال گوناگون ، از راه بسط مناسبات بین احزاب ، بررسی متقابل تجربیات ، بحثهای رفیقانه و مشورت ، از راه وحدت عمل در صحنه ی جهانی میتوانند و باید بدرستی حل شوند . وظیفه ی انترناسیونالیستی هرحزبی است که با تمام وسائل به بهبود مناسبات بین همه ی احزاب کمک کند ، اعتماد متقابل را افزایش دهد و برمساعی خود برای تحکیم وحدت جنبش جهانی کمونیستی بیفزاید . تحلیل جمعی واقعیت مشخص به تحکیم این وحدت کمک میکند .

راهی که برای ایجاد عمل مشترک ضد امپریالیستی در پیش گرفته شده ارتقاء نقش ایدئولوژیک و سیاسی احزاب مارکسیستی ــ لنینیستی را در روسه ی انقلابی جهانی میطلبد . کمونیستها در صفوف اول جنبشهای انقلابی ، دموکراتیک و آزادیبخش مبارزه میکنند و در آیند ه نیز مبارزه ی آشتی ناپذیری را بر ضد ایدئولوژی بورژوائی انجام خواهند داد و به زحمتکشان مفهوم واقعی مبارزه ی آنها و شرایط پیروزی را توضیح خواهند داد . برای مبارزه ی موفقیت آمیز برضد امپریالیسم و تأمین پیروزی آرمان خود ، کمونیستها در جنبش کارگری و در بین توده های وسیع مردم ــ از جمله در بین جوانان ــ به تروی

سوسیالیسم علمی خواهند پرداخت، پیگیرانه از اصول خود دفاع خواهند کرد و برای پیروزی مارکسیسم ـ لنینیسم، و متناسب با شرایط مشخص، برضد انحرافات اپورتونیستی راست و چپ در تئوری و سیاست، بر ضد رویزیونیسم و دگماتیسم و سکتاریسم چپ و ماجراجویانه مبارزه خواهند کرد. این انحرافات معمولا به نیروهای واقعی که میتوانند و باید بمبارزه جلب شوند کم بها میدهد.

## وفاداری بمارکسیسم لنینیسم وانترناسیونالیسم پرولتری

وفاداری به مارکسیسم ـ لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، خدمت فداکارانه وصادقانه به منافع خلق خود وامر مشترک سوسیالیسم شرط حتمی برای اثر بخشی و سمت یابی درست در وحدت عمل احزاب کمونیستی و کارگری و پایه ی موفقیتهای آنان در تحقق هدفهای تاریخی آنهاست.

حذف جنبش کمونیستی بمنزله ی فعالیترین نیرو در حیات جامعه ی کنونی تصور ناپذیر است. ممنوع کردن احزاب کمونیستی وکارگری ضربه ایست به حقوق دموکراتیک و بدیهی ترین منافع خلقها. شرکت کنندگان در کنفرانس پشتیبانی خود را بدون استثناء از تمام احزاب کمونیستی وکارگری جهان که برای فعالیت قانونی در زندگی سیاسی کشور خود مبارزه میکنند اعلام میدارند. ما با خشم ونفرت کامل تضییقات و ترور خونینی را که در اثر آن هزارها وهزارها نفر از کمونیستها وسایر دموکراتها وانقلابیون در اندونزی، اسپانیه پرتقال، یونان، بولیوی، برزیل، کلمبیا، مکزیک، ونزوئلا، پاناما، پاراگوئه، گواتمالا، افریقای جنوبی، تایلند، هائیتی، مالزی، ایران، فیلیپین و برخی دیگر از کشورها قربانی شده اند، محکوم میکنیم. ما همبستگی خود را با همرزمان خویش که در شکنجه گاههای رژیمهای فاشیستی و دیکتاتوری، در زندانهای کشورهای سرمایه داری رنج میبرند و برای آزادی خود مبارزه میکنند، اعلام میداریم.

## کنفرانس جهانی ـ مرحله مهم در راه همپیوستگی

کنفرانس از طرف شرکت کنندگان آن بعنوان مرحله ی مهمی در راه همپیوستگی جنبش کمونیستی تلقی میشود. آنها بر این عقیده اند که عدم شرکت برخی از احزاب کمونیستی در این جلسه ی مشاوره نباید در مناسبات برادرانه ی بدون استثناء بین همه ی احزاب کمونیستی وکارگری تأثیر گذارد. شرکت کنندگان در جلسه تصمیم قاطع خود را برای وحدت عمل در مبارزه برضد امپریالیسم، برای هدفهای مشترک جنبش بین المللی کارگری با آن احزاب کمونیستی وکارگری هم که در این جلسه ی مشاوره شرکت ندارند، اعلام میکنند.

مبارزه برضد امپریالیسم مبارزه ایست طولانی، سرسخت و دشوار. مبارزات شدید طبقاتی بطور اجتناب ناپذیری در پیش است. هجوم برضد مواضع امپریالیسم و ارتجاع داخلی باید تشدید گردد. پیروزی نیروهای انقلابی و مترقی حتمی است.

خلقهای کشورهای سوسیالیستی، پرولترها، نیروهای دموکراتیک در کشورهای سرمایه داری، خلقهای آزاد شده واسیر در مبارزه ی مشترک برضد امپریالیسم و برای صلح، استقلال ملی، ترقی اجتماعی، دموکراسی و سوسیالیسم متحد شوید!

---

تیتر گذاریها از جانب ماست

# درباره

# صدمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین

## اعلامیه کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری

در آستانه جشن صدمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین . کنفرانس احزاب کمونیستی وکارگری تمام اندیشه خود را به نابغه فنا ناپذیر دوران انقلابی ما ، متوجه میدارد .

نام لنین مظهر پیروزی انقلاب کبیر اکتبر، تحقق عظیمترین دگرگونی انقلابی ، انقلاب هائی که چهره اجتماعی جهان را از ریشه تغییر داده اند ، ونشانه چرخش بشریت بسوی سوسیالیسم وکمونیسم است .

لنین متفکر برجسته ، دانشی را که مارکس وانگلس ایجاد کرده اند ، ماتریالیزم دیالکتیک ، اقتصاد ، تئوری انقلاب سوسیالیستی وساختمان جامعه کمونیستی را همه جانبه بسط داد .

لنین آفریننده حزب بلشویک ، نخستین حزب پرولتری طراز نوین ، رهبر نخستین انقلاب پیروزمند سوسیالیستی در جهان ، پایه گذار اولین دولت پرولتری در تاریخ ودموکراسی شوروی سوسیالیستی است .

لنین مبارز تسلیم ناپذیر علیه امپریالیسم وارتجاع بوده است که پیوسته بخاطر وحدت عمل گردانهای زحمتکشان در نبرد با دشمن مشترک طبقاتی فعالیت میکرده است ، او انترناسیونالیست پیگیر ، مجاهد راه تساوی حقوق وصلح ودوستی میان ملل است که هرگونه تظاهر نژادی وشووینیستی را با خشم محکوم میکرد . او دوست همه ملل ستمکش وکسی است که راه مبارزه پیروزمندانه علیه استعمار وبرای استقلال وآزادی خلق ها وحق آنها در تعیین سرنوشت خویش را کشف کرد .

لنین بمثابه رهبر مسلم طبقه کارگر جهانی ، در پرولتاریا آن نیروی رهبری کننده ای را دید که قادر است وظیفه جهانی ــ تاریخی برانداختن سرمایه داری واصلاحات سوسیالیستی جامعه را عملی نماید . لنین آموزش اتحاد طبقه کارگر ودهقانان را تکامل بخشید واز وحدت جنبش کارگری در مقابل همه اشکال اپورتونیسم بطرزی آشتی ناپذیر دفاع میکرد .

تحت تاثیر لنینیسم ، نسلهائی از انقلابیون بوجود آمدند که خود را صادقانه به طبقه کارگر به خلق وبه امر سوسیالیسم وقف نمودند . زندگی وفعالیت لنین وصفات عالیه اش بمثابه یک فرد انقلابی، رفیق وانسان برای همیشه نمونه الهام بخش میلیون ها مبارز انقلابی در تمام جهان خواهد بود .

در زیر پرچم لنینیسم جنبش انقلابی در اکثریت کشورها به سطح جدیدی ارتقاء یافت ، احزاب کمونیستی بوجود آمدند واستحکام یافتند وجنبش جهانی کمونیستی به موثرترین نیروی سیاسی در جهان معاصر تبدیل گردید .

تمام تجارب سوسیالیسم جهانی ، جنبشهای رهائی بخش ملی وکارگری اهمیت بین المللی

آموزش مارکسیسم ـ لنینیسم را تایید میکند . پیروزی انقلابهای سوسیالیستی در گروهی از کشورها ، پیدایش سیستم جهانی سوسیالیستی ، دستاوردهای جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری وورود خلقهای مستعمرات ونیمه‌مستعمرات سابق به صحنه فعالیت مستقل اجتماعی ـ سیاسی ، رونق بیسابقه مبارزات ضد امپریالیستی ، تمام اینها حقانیت تاریخی لنینیسم راکه مبین خواستهای اساسی دوران معاصراست ، ثابت مینماید .

ما امروز بحق ازتعالیم لنین باکلماتی سخن میگوئیم که لنین خود ازمارکسیسم با چنین کلماتی سخن رانده است : این تعالیم همه‌توان است زیرا درست است . تئوری مارکسیستی ـ لنینیستی وبکار بردن خلاق آن درشرایط مشخص امکان میدهد پاسخ های علمی مسائلی را که درمقابل همه‌گردانهای جنبش انقلابی جهانی قرار دارد ، اعم ازاینکه در هرجا فعالیت کنند ، تنظیم کرد . وفاداری بمارکسیسم ـ لنینیسم ، آموزش کبیر بین المللی وشیفته‌پیروزی های آینده جنبش کمونیستی است.

کمونیستها وظیفه‌خود را دراین می بینند که درمبارزه علیه هرمخالف بااستحکام ازاصول انقلابی مارکسیسم ـ لنینیسم وانترناسیونالیسم پرولتری دفاع نمایند وآنهارا بشکل انحراف ناپذیر درعمل بکار بندند ، تئوری مارکسیستی ـ لنینیستی را دائما بسط دهند وآنرا برپایه تجارب مبارزه طبقاتی معاصر غنی سازند . کمونیست ها بطور مداوم بروح خلاق لنینیسم وفادار خواهند بود .

جشن صدمین سالروز تولد لنین که روزتاریخی دارای اهمیت جهانی است، نزدیک میشود . احزاب کمونیستی وکارگری این روزتاریخی را درشرایط تشدید فعالیت انقلابی خود برگزار میکنند وآنرا باتقویت کار سیاسی وایدئولوژیک درتودهها وبسط وتحکیم صفوف خود برجسته مینمایند . کمونیست ها باتمام نیروی خود انرژی انقلابی زحمتکشان را درمبارزه علیه امپریالیسم ودرراه آرمانهای درخشان سوسیالیسم تجهیز میکنند .

شرکتکنندگان کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی وکارگری ازهمه‌کمونیستها ، ازهمه مبارزانی که برای تحول سوسیالیستی جامعه کوشا هستند ، ازهمه هواداران ترقی وصلح دعوت میکنند: صدمین سالروز تولد لنین بزرگ را بطور شایسته برگزار کنید ، آثار لنین را مطالعه نمائید ، درآنها منابع فنا ناپذیر والهام بخش برای مبارزه علیه ارتجاع وستمگری و درراه سوسیالیسم وصلح بجوئید . معرفت بهآثارلنین بنسل جوان کمک میکند تا درونماهای انقلابی دوران مارا باوضوح بیشتری بشناسد . دررا تبلیغ دستاوردهای لنینیسم ، پیروزی های کشورهای سوسیالیستی ، احزاب کمونیستی وهمه‌نیروهای انقلابی تلاش بیشتری بکار برید .

زحمتکشان تمام کشورها ! خلقهای همه‌جهان ! بخاطر ظفرمندی آرمان لنین ازشما دعوت میکنیم فعالانه درنبرد عظیم وشریف طبقه کارگر، درراه صلح ، دموکراسی استقلال ملی وسوسیالیسم شرکت کنید . پرچم لنینیسم را درمبارزه درراه نوسازی انقلابی جهان افراشته‌تر سازید .

زنده باد لنینیسم !

۱۷ ژوئن ۱۹۶۹

# استقلال، آزادی وصلح به ویتنام!

## پیام کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری

کنفرانس جهانی کمونیستی وکارگری به خلق برادر ویتنام درود آتشین پیکارجویانه خود را ابلاغ میدارد وازصمیم قلب کامیابی های تاریخی وی را درنبرد علیه تجاوزایالات متحده امریکا شاد باش میگوید .

مابه حزب زحمتکشان ویتنام که پیشاهنگ خلق ویتنام است، به کمیته مرکزی این حزب ، و به میهن پرست وانترناسیونالیست کبیر رجل صرزجنبش کمونیستی جهانی رفیق هوشی مین درود ویژه میفرستیم . حزب زحمتکشان ویتنام ــ نیروی الهام بخش ورهنمون درنبرد علیه تجاوزامپریالیسم امریکاست . این حزب ازمنافع ملی با پیگیری دفاع میکند وپاسدار مقدم سوسیالیسم درآسیای جنوب خاوری است .

مابه جبهه ملی رهائی بخش ویتنام جنوبی کهنماینده قانونی مردم ویتنام جنوبی وسازمانده وپیشوای مجرب وی درپیکار دلاورانه پایداری علیه تجاوزگران امریکائی است درود ی آتشین ابلاغ میداریم . برنامه سیاسی جبهه رهائی بخش ویتنام جنوبی ، بنیاد وحدت همه مردم ویتنام جنوبی درنبرد عادلانه ورهاگراوست .

کنفرانس جهانی برنامه ده ماده ای موسوم به " اصول ومحتوی حل عمومی مسائل ویتنام جنوبی بقصد کمک به استقرار صلح درویتنام " راکه درتاریخ هشتم مه ۱۹۶۹ ازطرف کمیته مرکزی جبهه رهائی بخش ملی ویتنام جنوبی مطرح گردیده است ، بدون قید وشرط مورد پشتیبانی قرارمیدهد .

این برنامه ازاصول اساسی موافقتنامه ژنومورخ سال ۱۹۵۴ درمسئله ویتنام وازوضع کنونی دراین کشور ناشی میگردد . این برنامه بسر برنامه ومواضع سیاسی جبهه رهائی بخش ملی ویتنام جنوبی که مرکب از پنج بند است مبتنی است و باموا ضع دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام که مرکب از چهار بند است تطابق دارد. راه حلی که برای مسائل ویتنام جنوبی پیشنهاد شده کاملا باحقوق ملی مردم ویتنام ومصالح صلح جهانی توافق دارد وحق تعیین سرنوشت مردم ویتنام جنوبی را ازجانب آنها وصلح استوار درویتنام را ضمانت میکند ونیز بامنافع کشور های دیگر هند وچین تطابق دارد .

<u>حق خلق ویتنام برای نبرد در دفاع ازمیهن خود حق مقدس ونقض ناپذیر کلیه خلقها در دفاع ازخویش است .</u>

مبارزه خلق ویتنام درراه آزادی واستقلال درنزد خلقها احساس احترام عمیق وتحسین را

برانگیخته است. سرسختی ، دلاوری واطمینان خلق ویتنام به پیروزی خویش نمونه‌وانگیزه نبرد علیه امپریالیسم بخاطر حفظ صلح ، رهائی خلقها ازبهره دهی وستم است . خلق ویتنام بادفاع ازمیهن‌خویش درعین‌حال وظیفه‌انترناسیونالیستی خود را ایفا میکند وبه امر شریف تامین صلح درسراسرجهان خدمت‌مینماید . دراین‌نبردعمیقا ما دلانه خلق‌ویتنام، ما استوارانه وباروح همبستگی درکناروی ایستاده بودیم وخواهیم ایستاد .

پیکا. " جاعانه مرد ویتنام علیه‌تجاوزامریکا یکی ازمهمترین اجزاء نبرد جهانی بین سوسیالیسم وامپریالیسم ، بین‌نیروهای مترقی وارتجاع است .

نیروهای امپریالیستی امریکا بامداخله مسلح درویتنام کوشیدند یکی ازپاسگاههای مقدم سوسیالیسم را درآسیادرهم شکنند وراه‌خلقهای هندوچین را بسوی صلح ، آزادی وترقی سد کنند وبه‌جنبش انقلابی ورهائی بخش‌آسیا ، افریقا وامریکای لاتین ضربت زنند واستواری همبستگی کشورهای سوسیالیستی وهمه‌نیروهای ضدامپریالیستی را درمعرض آزمون قرارد هند .

این‌نقشه های‌امپریالیسم امریکا محکوم به شکست است .

خلق ویتنام باپشتیبانی عظیم‌کشورهای‌سوسیالیستی ودرنتیجه اول اتحاد شوروی‌ونیز مردم صلحدوست‌جهان به ایالات متحده امریکا ، این‌مقتدرترین نیروی امپریالیستی ، نشان دادکه اقتداروی غیرمحدود نیست .

تبهکاری های بربرمنشانه مداخله گران امپریالیستی علیه‌خلق ویتنام ، بکار بردن وسائل بیولوژیک وشیمیائی ودیگر وسائل امحاء جمعی ، چیزی که بیک ژنوسید واقعی مبدل شده است ، وجدان جهانیان را برآشفته میسازد . این‌تبهکاریها‌ماهیت‌واقعی وضدبشری امپریالیسم را دربرابرهمه‌خلقها برملا ساخته است .

تمام اینها به انفراد روزافزون‌سیاسی ومعنوی متجاوزدرمیان‌وسیعترین قشرها وازآنجمله محافل خاکمه برخی کشورهای‌سرمایه داری منجرشده است . درخود ایالات متحده امریکا محافل دمبدم وسیعتری ازاهالی کشور علیه جنگ چرکین ویتنام که عواقب آن جامعه امریکائی را بخود میلرزاند ، تظاهرمیکنند .

حماسه دلاورانه خلق‌ویتنام یکی ازعوامل تعیین‌کننده جنبش خلقهاعلیه امپریالیسم است که دراقدامات پیکارجویانه جوانان ودانشجویان‌نیز تجلی مییابد .

تجاوزکار علیرغم استفاده ازماشین‌جنگ غول آسانا چارشده است بمباران اراضی جمهوری دموکراتیک ویتنام را بلاشرط متوقف کند وبه‌مذاکرات چهارجانبه با شرکت برابرحقوق جبهه رهائی بخش‌ملی ویتنام جنوبی‌تن دردهد . درویتنام جنوبی نیروهای مسلح رهائی بخش‌ملی پیوسته ضربات سنگین برمداخله گران امریکا ودستنشاندگانشان وارد میسازند . دربخش‌عمده اراضی حاکمیت خلق استقرار یافته است . رژیم ورشکست دستنشانده تنها به سرنیزه‌های امپریالیسم امریکا متکی است .

این‌کامیابیهای مهم مردم دلاور ویتنام وسیستم جهانی سوسیالیستی وجنبش‌جهانی کمونیستی وکارگری‌وکلیه‌نیروهای صلحدوست وترقیخواه است .

مبارزه کامیابانه ویتنام حاکی ازتغییرتناسب قوادرعرصه بین المللی وقدرت افزایندهٔ سوسیالیسم ، دموکراسی وجنبش رهائی بخش درمقیاس جهانی است .

درجنبش وسیع به پشتیبانی ازویتنام علیه‌تجاوزامریکا تلاش جنبش‌جهانی کمونیستی

ونیزهمه‌نیروهای ضد امپریالیستی برای نیل بوحدت عمل علیه دشمن‌مشترك بشریت یعنی امپریالیسم نمودار روشن‌ومشخص یافته است.

مبارزه‌میهن پرستان ویتنام نشان‌میدهد :ملتی که پیگیرانه برای آزادی واستقلال خود علیه امپریالیسم‌مبارزه‌میکند و اتحاد شوروی و کشورهای‌سوسیالیستی ونیز نیروهای صلحجوی تمام جهان را درکنارخود دارد ، مغلوب شدنی نیست .

هرقدر جنبش‌کمونیستی جهانی ونیز نیروهای ضدامپریالیستی مبارزه‌علیه امپریالیسم ، دشمن‌مشترك را متحد ترو پیگیرتر اجراکنند ، موفقیت آنها عظیم‌ترخواهد بود .

هرقدر احزاب‌کمونیستی وکارگری پرچم دفاع ازآزادی ملتهای‌خود را باعزم جزم برافراشته‌تر نگاهدارند وخود را درراس مبارزه علیه سیاست تجاوز امپریالیستی قرار دهند ، بهمان اندازه جنبش ضدامپریالیستی توده‌های‌ملت وسیعتروموثرتربسط می یابد .

محافل تشنه بجنگ ایالا تمتحده امریکا علیرغم شکست های‌سختی که خورده اند ازنقشه های نئوکولونیالیستی خود درویتنام دست برنداشته اند وبه کوشش‌خود برای حل نظامی مسئله‌ویتنام ادامه‌میدهند . آنها درراه خطرناك بسط تصادم جنگی پافشاری‌میکنند و حملا هوائی سخت‌آنها بمناطق لائوس و پروکامبوج های دائمی علیه‌کامبوج بیطرف این‌مسئله را اثبات‌میکند .

دولت ایالا تمتحده امریکا ونمایندگان او درپاریس باسماجت ازمذاکره عملی وواقع بینانه درباره خواستهای بحق دولت‌جمهوری‌دموکراتیك‌ویتنام وجبهه ملی رهائی بخش‌ویتنام جنوبی وقبل ازهمه درباره خروج کامل وبدون قید وشرط نیروهای امریکا وسایرشرکتکنندگان درتهاجم بجنوب ویتنام خودداری میورزند وبجای آن‌میکوشند که بامانورهای عوامفریبانه محافل اجتماعی جهان را به اشتباه بیاندازند وموفقیتی راکه‌نتوانستند درجبهه جنگ بدست آورند ، ازطریق اعمال فشاردرپشت میز مذاکره بدست آورند .

دولت امریکا ازبحث‌درباره‌مسئله اصلی یعنی خروج کامل وبدون قید وشرط نیروهای ایالا تمتحده امریکا واقماردخود از ویتنام جنوبی خودداری‌میکند وبرای باصطلاح خروج متقابل پافشاری میورزد .

بدینطریق مهاجم با قربانی تهاجم دریك صف قرارداده‌میشود . اما امپریالیسم امریکا هیچگاه‌موفق نخواهد شد این‌واقعیت را پرده پوشی کند که او درویتنام دست بتجاوز زده و باسماجت آنرا ادامه‌میدهد .

تجاوز امریکا بویتنام تهدید دائمی برای صلح جهانی است ، مبارزطلبی است علیه همه‌ملتهائی که برای صلح ، استقلال ملی ، دموکراسی وترقی اجتماعی پیکارمیکنند . جنبش کمونیستی وکارگری جهانی باوفاداری به انترناسیونالیسم پرولتری‌وباهمبستگی برادرانه در آینده نیز بمبارزه‌ملت‌ویتنام تا پیروزی قطعی امر بحقش همه‌کمکهای ضروری را ارزانی خواهد داشت.

بدینطریق احزاب کمونیستی وکارگری به امر صلح جهانی ، به آزادی وسوسیالیسم خدمت بزرگی انجام میدهند .

کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی وکارگری‌باقاطعیت تمام اعلام‌میدارد که حل عادلانه مسئله‌ویتنام فقط بوسیله اجرای‌حقوق اساسی ملی خلق‌ویتنام میسراست .

اکنون که درمبارزه ملت‌ویتنام مرحله پیروزمندانه آغاز شده و به برکت ابتکار جمهوری دموکراتیك‌ویتنام وجبهه ملی رهائی بخش‌ویتنام جنوبی تمام شرایط لازم برای‌حل سیاسی عادلانه بوجودآمده است ، ما میطلبیم .

ـ ایالات متحده ی امریکا باید به روش امتناع آمیز خود در کنفرانس چهارجانبه ی پاریس خاتمه دهد ؛

ـ ایالات متحده ی امریکا باید فوراعملیات تجاوزکارانه ی خود راد رویتنام متوقف سازد ، نیرو - های خود وهمچنین نیروهای اقمار خود را بطورکامل وبدون قید وشرط از ویتنام خارج نماید ؛

ـ ایالات متحده ی امریکا باید حق مردم ویتنام جنوبی راد رتعیین سرنوشت خود وبدون دخالت خارجی برسمیت بشناسد ؛

ـ ایالات متحده ی امریکا باید ازهرعملی که علیه حاکمیت وامنیت جمهوری دموکراتیک ویتنام متوجه است ، خودداری ورزد ؛

ـ ایالات متحده ی امریکا باید به دخالت و تجاوز در لائوس ، تعرض به تمامیت ارضی کامبوج خاتمه دهد ، مرزهای آن کشورراب رسمیت بشناسد و از هد فهای تجاوزکارانه ی خود علیه کشورهای جنوب شرقی و شرقی آسیا دست بردارد و اجرای قرارداد ژنو (سالهای ۱۹۵٤ و ۱۹٦۲) راموکدا مراعات نماید .

ما میخواهیم که دولتهای تایلند ، نیوزیلاند ، استرالیا و رژیم دست نشانده ی کره ی جنوبی و نیز دولت جمهوری فدرال آلمان غربی و ژاپن به شرکت آشکار و مخفی خود در تجاوز ایالات متحده ی امریکا به ویتنام ، خاتمه دهند .

ما بنام میلیونها کمونیست ، به همه ی انسانهای شرافتمند ، که به صلح ، عدالت ، آزادی و استقلال ملتها وفادارند خطاب میکنیم :

بانگ اعتراض علیه جنگ جنایتکارانه ی امپریالیسم امریکا در ویتنام راد رسراسرجهان رساتر کنید !

در جنبش همبستگی بین المللی با خلق قهرمان ویتنام فعالتر شرکت کنید !

خروج نیروهای ایالات متحده ی امریکا واقمار آنرا از ویتنام بطلبید !

حل مسالمت آمیز فوری مسئله ی ویتنام را براساس تامین حقوق مسلم ملت ویتنام خواستار شوید !

از ۱۰ ماده ی جبهه ی رهائی بخش ویتنام جنوبی پشتیبانی کنید !

ما دعوت میکنیم که برای پشتیبانی از ملت ویتنام که علیه تجاوز ایالات متحده ی امریکا مبارزه میکند ، از طرف نیروهای ضد امپریالیست وصلح طلب به باقدرت وهماهنگی بیشتری اقدامات فوری بعمل آید .

از حمل ونقل سرباز ، اسلحه و مواد جنگی برای تجاوزکاران آنها جلوگیری کنید !

بهبستم ژوئیه ، سالروز قرارداد ژنو را به روز بین المللی همبستگی با ویتنام ، به روز مبارزه بخاطر پایان دادن به تجاوز امریکا مبدل نمائید !

افتخاروواحترام به ملت قهرمان ویتنام که با فداکاری فراوان برای استقلال و آزادی مبارزه میکند !

افراشته تر باد پرچم همبستگی بین المللی !

استقلال ، آزادی و صلح برای ویتنام !

مبارزه ی عادلانه ی خلق ویتنام پیروز خواهد شد !

مسکو ۱۰ ژوئن ۱۹٦۹

# پیام صلح

# کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری

ما ، نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری ، که برای کنفرانس جهانی در مسکو گرد آمده ایم به تمام اهل جهان ، همه انسانها ، صرفنظر از اعتقادات مذهبی و جهان بینی سیاسی آنها پیام صلح و دوستی میفرستیم و آنها را به مبارزه مشترک برای دفاع از صلح و تحکیم آن دعوت میکنیم .

مبارزه برای امر صلح — یعنی آینده بشریت است . در نیمه اول قرن ما دو جنگ جهانی بیش از ۷۰ میلیون انسان را در دل خاک و خون ساخت .

تاریخ اتمی مشئوم بروی هیروشیما اخطاری فاجعه آمیز درباره عواقبی بود که اگر امپریالیسم به شعله ور ساختن جنگ سوم جهانی موفق میشد ، میتوانست ببار آورد .

در شرایط کنونی ، که بمبهای اتمی در چند دقیقه میتوانند بهر قاره ای برسند و نواحی عظیمی را نابود سازند ، یک جنگ جهانی باعث از بین رفتن میلیونها انسان خواهد شد و گنجینه تمدن و فرهنگ جهانی را بهویرانه و خاکستر بدل خواهد کرد .

جنگها و اقدامات تجاوزکارانه و اعمال قهر ، تعرض به آزادی ملتها — همه اینها از سیاست امپریالیسم منشاء میگیرد .

این امپریالیسم ، و مقدم بر همه امپریالیسم امریکاست که مسابقه تسلیحاتی را دامن میزند ، باعث تشدید و خاست بین المللی میشود و در نواحی مختلف جهان شعله تصادمات و جنگهای محلی را روشن میکند . امپریالیسم امریکا ، که دشمن سوگند خورده آزادی همه خلقهاست ، با اقدام و اعمال میکوشد جنبش های رهائی بخش ملی را سرکوب کند ، کودتاهای ارتجاعی ترتیب دهد ، رژیمهای ضد خلقی را با اعمال قهر بقدرت برساند ... و از آنها پشتیبانی میکند .

امپریالیسم امریکا از چند سال پیش با بکاربردن وسائل دد منشانه دست بیک جنگ تجاوزکارانه زده است .

در نتیجه تجاوز اسرائیل علیه ملل عربی کانون و خامت کماکان در خاور نزدیک حکمفرماست که از آن میتواند هر دقیقه شعله های جنگ زبانه بکشد .

عملیات خرابکارانه امپریالیسم علیه کوبا ، در سواحل کره ، علیه بسیاری از کشورهای آسیا ، افریقا و امریکای لاتین ، صلح جهانی را دائما تهدید میکند .

در قلب اروپا ، امپریالیسم جنگ طلب آلمان غربی تقویت میشود و نئونازیسم سر بلند میکند . محافل حاکمه بن که از شکست آلمان هیتلری تجربه لازم نگرفته اند ، با تکیه به بلوک تجاوزکار ناتو ، و در اتحاد نزدیک با امپریالیسم امریکا سیاست انتقامجویانه خود را تعقیب

مینمایند ، برای تصاحب اسلحه اتمی در تلاش‌اند و بدینطریق امنیت همه ملل اروپا را تهدید میکنند .

پایگاههای نظامی که در کشورهای مختلف‌دنیا تو و در اسپانیا در اختیار امپریالیسم امریکا گذارده شده است، خطری برای صلح اروپاست .

سیاست تجاوز وجنگ که بخاطر سود سرمایه انحصاری اجرا میگردد ، در کشورهای سرمایه داری باعث استثمار بیشتر توده‌های وسیع ملت‌میشود ، تبعیض‌نژادی و بیکاربردن زور در منشانه را دامن میزند وباعث محدودیت آزادیهای دموکراتیک‌میگردد و بدینطریق منافع حیاتی توده‌های ملت را بخطر میاندازد . نظامی کردن اقتصاد ،وسائل مادی عظیمی را میبلعد ، سطح زندگی را تنزل میدهد و بار سنگینی بردوش زحمتکشان میگذارد . اینگناه امپریالیسم استکه بزرگترین دستاوردهای علم وتکنیک ، که درمقابل بشریت دورنماهای نوینی رامیگشاید ، درهمان زمانی که صدها میلیون انسان ازگرسنگی وفقر رنج میکشند ، برای هدفهای نابود کننده مورد سوء استفاده قرارمیگیرد .

باینجهت مبارزه برای‌صلح با پیکار برای آزادی‌ملل ، برای ترقی ودموکراسی ، برای رهائی ازیوغ حکمروائی بیگانه ، از استعمارواستعمارنوین ، ازارتجاع ودیکتاتوری فاشیستی توام میشود .

امروزتأمین صلح پایدار یک هدف خیالی‌نیست ، بلکه هدفی‌است که دسترسی‌بدان کاملا عملی‌است . امروزدرجهان نیروهای اجتماعی‌وسیاسی پرتوانی‌وجوددارند که علیه جنگ مبارزه میکنند وبرای تخفیف وخامت و همکاری بین المللی همه جانبه کوشاهستند .

سیاست صلحجویانه پیگیراولین‌کشور سوسیالیستی ـ اتحاد شوروی ، وسایر کشورهای سوسیالیستی ، پیکار روزافزون زحمتکشان درکشورهای سرمایه داری ، بسط جنبش‌رهائی بخش ملی ، اقدامات محافل وسیع دموکراتیک جهان ومبارزین راه صلح ناگزیری تقدیر آمیز یک جنگ جهانی جدید را ازمیان‌میبرد وامکان واقعی را برای تحقق کوشش‌صلحجویانه ملل بوجود میآورد .

امپریالیسم دیگرنمیتواند خود سرانه سرنوشت‌جهان را تعیین‌نماید . مهاجمین‌امریکائی مجبورشدند حملات‌هوائی را علیه جمهوری دموکراتیک‌ویتنام متوقف سازند وراه مذاکره را در پیش‌گیرند . قرارداد انصراف ازآزمایش‌اسلحه اتمی روی‌زمین ، دردریا ودرهوابسته شده است وقرارداد منع پخش‌اسلحه اتمی بامضاء رسیده است . همه اینها نشان‌میدهد که اگر ملتهافعال وهمبوسته عمل کنند ، میتوان بهنتایج مشخصی رسید .

اگرچه‌تاوقتی که امپریالیسم وجوددارد خطرتصادمات نظامی باقی میماند ، ولی همزیستی مسالمت‌آمیز کشورهای دارای سیستم های اجتماعی مختلف هم‌میسراست . اما همزیستی مسالمت‌آمیز طلب میکند که توده‌های ملت پیکار دائمی وسرسختانه علیه امپریالیسم وسیاست اورا تقویت کنند .

مبارزه برای صلح عبارتست از :ابتکارصلحجویانه کشورهای سوسیالیستی ، جنگهای پیروزمندانه میهن‌پرستان ویتنامی درجنگلهای ویتنام جنوبی ، دمونستراسیون‌های ضد جنگ درشهرهای اروپاوامریکاوهمچنین پیکارملت ژاپن علیه پایگاه های نظامی‌امریکا ، مبارزات طبقه کارگرعلیه قدرت انحصارهای‌تسلیحاتی ، مقاومت ملل‌امریکای‌لاتین در برابرد یکتاتوری‌باند های نظامی ، جنبش های‌ضد استعماری درکشورهای آسیاوافریقا وپیکار سیاهپوستان ایالات

متحد ه امریکا برای حقوق خود نیز به صلح خدمت میکند. کسی که همیشه در این پیکار شرکت میکند ، خواه لباس کار در برد اشته باشد ، خواه در رمزرعه کارکند وخواه در آزمایشگاه سرگرم پژوهش باشد ، سهم خود را در امر مشترک دفاع از صلح ادا مینماید.

ما به انسانهای زحمتکش — به کارگران ، دهقانان و روشنفکران ، به نمایندگان علم و فرهنگ ، به همه ی کسانی که میخواهند ثمرات کار و مساعی خلاق بشریت را نجات دهند و بسر آن بیفزایند ،

به مادران و پدران ، که به آینده فرزندان خویش دلبسته اند ،

به جوانان و دانشجویان که نقشه ها و رؤیاهای جسورانه ی خود را بمنصه ی ظهور میرسانند و میخواهند همه ی نیرو و انرژی خود را برای شکفتگی کشورهای خود وقف کنند ،

به نمایندگان مجالس ، رجال دولتی و سیاستمداران که برای آینده ی ملتهای خود نگرانند ،

به احزاب سیاسی ، اتحادیه ها ، به سازمانهای اجتماعی و جنبش ها ،

به اجتماعات واتحادیه های مذهبی ، به انسانهای دارای اعتقادات مذهبی گوناگون ،

به شرکت کنندگان در جنبش های صلح طلب و کارزارهای ضد جنگ ،

به همه ی مردان و زنان خطاب کرده از آنان دعوت میکنیم :

قطع تجاوز امریکا در ویتنام ، خروج نیروهای امریکائی ، احترام به حق حاکمیت ملت ویتنام و نیز استقلال ، آزادی و صلح را برای ویتنام طلب کنید ؛

بخاطر از بین بردن عواقب تجاوز اسرائیل در خاورنزدیک بر اساس قطعنامه ی شورای امنیت سازمان ملل متحد مبارزه کنید ؛

برای براندا ختن کامل استعمار و استعمارنو ، و برای تأمین استقلال همه ی ملل ستمدیده ، برای متوقف ساختن جنگهای استعمارطلبان پرتغالی ، برای ریشه کن ساختن نژادپرستی ننگ آور در افریقای جنوبی و هرجای دیگری که این ننگ تظاهر کند وهمچنین برای از بین بردن رژیمهای فاسد — این چاکران انحصارهای خارجی — مبارزه کنید ؛

کوششهای خود را در مبارزه برای تحقق کامل اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورها ، صرفنظر از نظام اجتماعی آنها ، برای تخفیف وخامت بین المللی ، برای حل مسائل جهانی حل نشده از راه مذاکره ، علیه تجاوز امپریالیستها به استقلال و حق حاکمیت ملل در تعیین سرنوشت خویش ، برای بسط یک همکاری همه جانبه و برابر حقوق کشورها ، تقویت کنید .

ما به همه ی کسانی که وحشت جنگ اخیر را مشاهده کرده و فراموش نکرده اند ، به همه مبارزین راه صلح در اروپا ، و نیز به نیروهای اجتماعی صلح طلب در آلمان غربی خطاب میکنیم :

راه سیاست جمهوری فدرال آلمان را در مورد ادعاهای ارضی و دست یازی به اسلحه ی اتمی سد کنیم ، و نیروهای نئونازیسم را به عقب نشینی مجبور سازیم !

برسمیت شناختن وضع واقعی که در نتیجه ی جنگ جهانی دوم در اروپا بوجود آمده است ، غیرقابل تغییر بودن مرزهای موجود ، برسمیت شناختن جمهوری دموکراتیک آلمان — چنین است شرایط ضروری یک صلح مداوم در قاره ی اروپا .

مبارزه برای یک سیستم مؤثر امنیت جمعی در اروپا و پایان دادن به تقسیم جهان به گروه های نظامی و مبارزه برای یک فضای همکاری و تفاهم میان خلقها را گسترش دهیم . تشکیل جلسه ی مشاوره ی کشورهای سراسر اروپا نه از طرف کنفرانس کشورهای عضو پیمان ورشو در دستور است پیشنهاد شده است ، راه را برای این کار هموار خواهد کرد .

صلح جهان نمیتواند برنیاد "تعادل وحشت" استوار باشد. صلح پایدار بدون پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی قابل تصور نیست

باید درراه ایجاد مناطق فارغ ازاتم درنواحی مختلف جهان، منع هرگونه آزمایش اتمی، اجرای فوری قرارداد درباره عدم پخش سلاح اتمی وشرکت تمام کشورها دراین قرارداد، منع استعمال سلاح اتمی وازبین بردن ذخائر موجود آن کوشش بعمل آید.

باید انحلال پایگاههای نظامی درکشورهای دیگر وآزاد کردن این کشورها از پیمانهای نظامی که بآنها تحمیل شده است، ومنع بین المللی موثرهرنوع اسلحه باکترولوژیک وشیمیائی طلب شود.

باید درراه خلع سلاح کامل وعمومی با پیگیری و سرسختی مبارزه بعمل آید.

ما کمونیستها درتمام آزمایشها ایده لنینی صلح ودوستی میان ملتها را پیوسته مراعات کرده ایم. ما کماکان درراه این هدف انسانی ووالا همراه باتمام کسانی که علیه سیاست، میلیتاریسم، تجاوز و جنگ هستند، مبارزه خواهیم کرد. ما برای رسیدن باین هدف آماده ایم با نیروهای اجتماعی وسیاسی گوناگون تماس بگیریم وهمکاری کنیم.

اتحاد همه نیروهای صلح طلب مترقی خواست مبرم زمان ماست. ما با وحدت خود پیروزی ماه مقدس صلح را درجهان تامین خواهیم کرد!

مسکو ١٦ ژوئن ١٩٦٩

کتابخانه انقلاب اسلامی
کتابخانه امام مهدی (عج)
شماره ثبت ۹۳۹۷
تاریخ ۷۳/۴/۲۵